

## کزیده های این شماره:

ویژہ کودکاں:

## صفحات آموزشی، سرگرمی‌ها و سرودها

ویژه نوجوانان:

## صفحات آموزشی، جوانه ها، سروده ها و سرگرمی ها

## ویژہ نوجوانان و بزرگسالان:

قد و قروت از احسان سلام

قد و قروت

# ورود عنصر ترک و نفوذ دولت ساسانی

از تاریخ غبار

# عناصر سازنده شعر

عنوان سازنده شعر

نکاتی برای والدین

The figure displays a 3D surface plot of a mathematical function. The surface has a complex, undulating structure with multiple peaks and valleys. It features a prominent vertical ridge running through the center. The color of the surface transitions through various shades of red, orange, yellow, green, and blue, indicating different values or heights across the domain. The overall shape is somewhat like a saddle or a series of interconnected hills and valleys.

کاهنامه پروندری کودکان و نوجوانان افغانستان (آموزشی و معلوماتی)

شاهمامه، نهاد ازکشاف اجتماعی (فغانها، هالند

شماره دوازدهم سال سوم، زمستان ۱۳۸۶ خورشیدی، نومبر ۷



اکنون که در آستانه سومین سالگرد نشر "نهال" قرار داریم، افتخار داریم که بعد از سپری کردن فراز و نشیب ها و کسب تجارب ارزنده باز هم به خواننده عزیز مینویسیم.

بدون شک کار در عرصه کودکان و نوجوانان یکی از موادریست که در کشور ما کمتر به آن پرداخته شده و این مشکل دلایل خاص خود را دارد. ما نویسنده‌گان انگشت شماری داریم که در این عرصه توجه داشته اند و مطابق به ذوق و میل خود کارهایی کرده اند که قابل قدر است؛ مگر آنچه کودک و نوجوان افغان چه در داخل و چه برون از مرز نیاز دارند، قابل دقت و درنگ است. این نیازمندی‌ها بر علاوه این که هنوز کشف و مشخص نشده اند، کمتر مرامجعی در داخل و خارج کشور آن را پیگیری کرده اند. من در این فشرده نمیخواهم بیشتر به جزئیات بپردازم؛ مگر آنچه لازم میدانم بگویم اینست که با وجود درک این شعار که "اطفال آینده سازان اند"، چرا برای ساختن یک آینده سازنده دستگیر نباشیم؟ همانگونه که ما از آغاز گشاش نهال از دست اندکاران فرهنگ و ادبیات در راستای همکاری با نهال دعوت به عمل آوردیم، مجددانه با در نظر داشت اهمیت بنیادین این مسئله درخواست میکنیم که بیاید با یک مقایسه اجمالی شرایط آموزش غرب، میتود ها و روش ها و آنچه را که برای کودکان و نوجوانان اینجا آمده است، در نظر بگیریم. آیا نمیتوانم هر یک ما با سهم کوچک خود در ترجمه مطالب علمی و آموزشی گوشه یی از این کمی را پر سازیم؟ شاید سوالی باشد که برای کار در این عرصه باید نخست با ادبیات کودک آشنایی داشت. اگر ما در این عرصه اهل تخصص کمتر داریم، آیا باید کودکان و نوجوانان ما از ادبیات حداقل دانشگاهی شروع کنند؟ این پرسشیست که بی پاسخ می‌ماند. بیاید با فراخوانی شماری از صاحبنظران عرصه زبان و ادبیات کودک، "نهال" را سکوی این حرکت سازیم تا تجارت و دانش دست اندکاران اهل فن رهنما و راهگشای ما باشد.

قابل یادداشت که نخستین ثمره های این نهالک نوپارا توانته ایم از بازتاب آن در دیگر نشریات و رسانه ها برچینیم. "نهال" اکنون راهش را گشوده و مسیرش را یافته است؛ ولی هنوز به پیگیری و دستگیری نیاز دارد. ما دنبال آنیم که تمام برگه های این نشریه درخور خواندن و استفاده برای کودک و نوجوان و آنانی که با این دو تماس دارند، باشد. همچنان نهال با در نظرداشت سطح و سویه های مختلف حتی برای نوپردازان عرصه زبان و ادبیات نیز مدد و راهنمایی امدادواریم در آینده در بخش های مختلف هنر صفحاتی داشته باشیم.

از اینکه هنوز نمیتوانم آنچه را که لازم میپنداشیم، در دسترس داشته باشیم، دست اندک کاران این مجله تصمیم گرفته اند تا فراهم آمدن زمینه یی که مطالب متنوع و کافی مناسب حال "نهال" بدهست آرند، نشر این فصلنامه آموزشی و معلوماتی را به شکل "گاهنامه" ادامه دهند. همچنان اشتراک شما نیز نقش مهم در نشر و بقای این مجله دارد چون نهال پشتونه اقتصادی ندارد.

به امید زمان و زمینه یی که آنچه "نهال" نیاز دارد، فراهم آید.

#### منیژه نادری



#### Nehal 8th & 9th vol. 2nd year, Nov. 2006

An Educational & Informational Occasional Magazine for Afghan Children Abroad.

License Holder: SHAHMOAMA  
(Afghan Social Development Foundation),  
Netherlands

Editor in Chief: Manizha Naderi  
Assistants: Eqlima Paryan & A. Faqiri,  
M.S.Farhoed, Salar Azizpour

[www.shahmoama.com](http://www.shahmoama.com)

E-mail: [shahmoama@yahoo.com](mailto:shahmoama@yahoo.com)  
[shahmoama@hotmail.com](mailto:shahmoama@hotmail.com)  
Mobile: 31(0)641375638

#### قیمت تک شماره با مصارف پستی:

در داخل هالند: ۵ یورو  
در بیرون از هالند: ۷ یورو

مرکز تماس برای بدست آوردن نشریه:  
شاهنامه (مرکز انکشاف اجتماعی افغانها)،  
هالند

#### شماره بانکی:

Stg. Shahmoama  
(Centrum voor Grafische  
Vormgeving)  
Giro: 2997637 Postbank  
IBAN: NL 26 PSTB 0002 9976 37  
BIC: PSTBNL21

#### نهال

فصلنامه بروز مزی کودکان و نوجوانان افغانستان  
(نشریه آموزشی و معلوماتی)

صاحب امتیاز، ویرایش و چاپ:

بنگاه نشراتی "شاهنامه"، هالند

میر مسؤول: منیژه نادری

هیئت شورای دبیران: اقلیما پریان، ع. فقیری،

م. ش. فرهود، سalar عزیزپور

هیئت تحریر در ویرایش مطالب خود را  
آزاد میداند.

مطلوب فرستاده شده به اداره نهال

و ایس نمی شود.

مسئولیت محتوى مطلب به دوش

نویسنده‌گان است.

چاپ بخش‌های نهال با حفظ نام مجله و امتیاز به

"شاهنامه" در هر نشریه آزاد است.

به سلسله شماره های گذشته  
پروفیسور ابراهیم سروش منشی راده

# آموزش زبان برای کودکان



درس دوازدهم  
حرف ح:



كلمه: حلوا  
حلوا  
حلوا



جمله کامل: حلوا شیرین است.

تمرینها

- این جملات را برجسته بنویسید:

حلوا شیرین است.

- از هر یک از این دسته حروف یک کلمه بسازید.

شـ یـ رـ یـ نـ ؟ حـ لـ وـ اـ سـ تـ

- این کلمات را تکمیل کنید:

اسـ ، حـ لـ اـ ، شـ يـ رـ



- این جملات را تکمیل کنید

حلوا مـ زـهـ شـ يـ رـ يـ نـ

- کلمه های زیر برای کودک خوانده شود و سپس کودک از آن جمله بسازد.

. شـ يـ رـ يـ نـ ، تـ رـ بـ وـ زـ

. بـ وـ دـ ، تـ رـ شـ ، اـ نـ اـ رـ

. پـ خـ ، حـ لـ وـ اـ ، مـ اـ دـ رـ مـ

. مـ يـ دـ هـ ، رـ وـ شـ نـ ، چـ رـ اـ غـ

. دـ اـ رـ دـ ، زـ يـ بـ اـ ، رـ نـگـ ، جـ اـ کـ تـ ، اـ يـ نـ

## درس سیزدهم حرف خ:



خ

کلمه: خانه  
خانه  
خانه



خانه ما کلان است.

جمله کامل:

تمرینها

- این جملات را برجسته بنویسید:

خانه ما کلان است

خانه ما کلان است



- از هر یک از این دسته حروف یک کلمه بسازید.



کل ان \_\_\_\_\_ ؛ خان ئه \_\_\_\_\_ ؛ اس ت \_\_\_\_\_ ؛ ما

- این کلمات را تکمیل کنید:

ا \_\_\_\_\_ ت، کلا \_\_\_\_\_ ، خا \_\_\_\_\_



- این جملات را تکمیل کنید

. \_\_\_\_\_ خانه ما حویلی . \_\_\_\_\_ ما کلان است.



- کلمه های زیر برای کودک خوانده شود و سپس کودک از آن جمله بسازد.

طوای، خواهرم، پخته، مزه دار، کرد



بادنجان، است، بنفس

. \_\_\_\_\_

بافت، خواهرم، برادرم، جاکت، برای

. \_\_\_\_\_

خانه، حویلی، ما، دارد، کلان

. \_\_\_\_\_

تلویزیون، بزرگ، داریم، ما

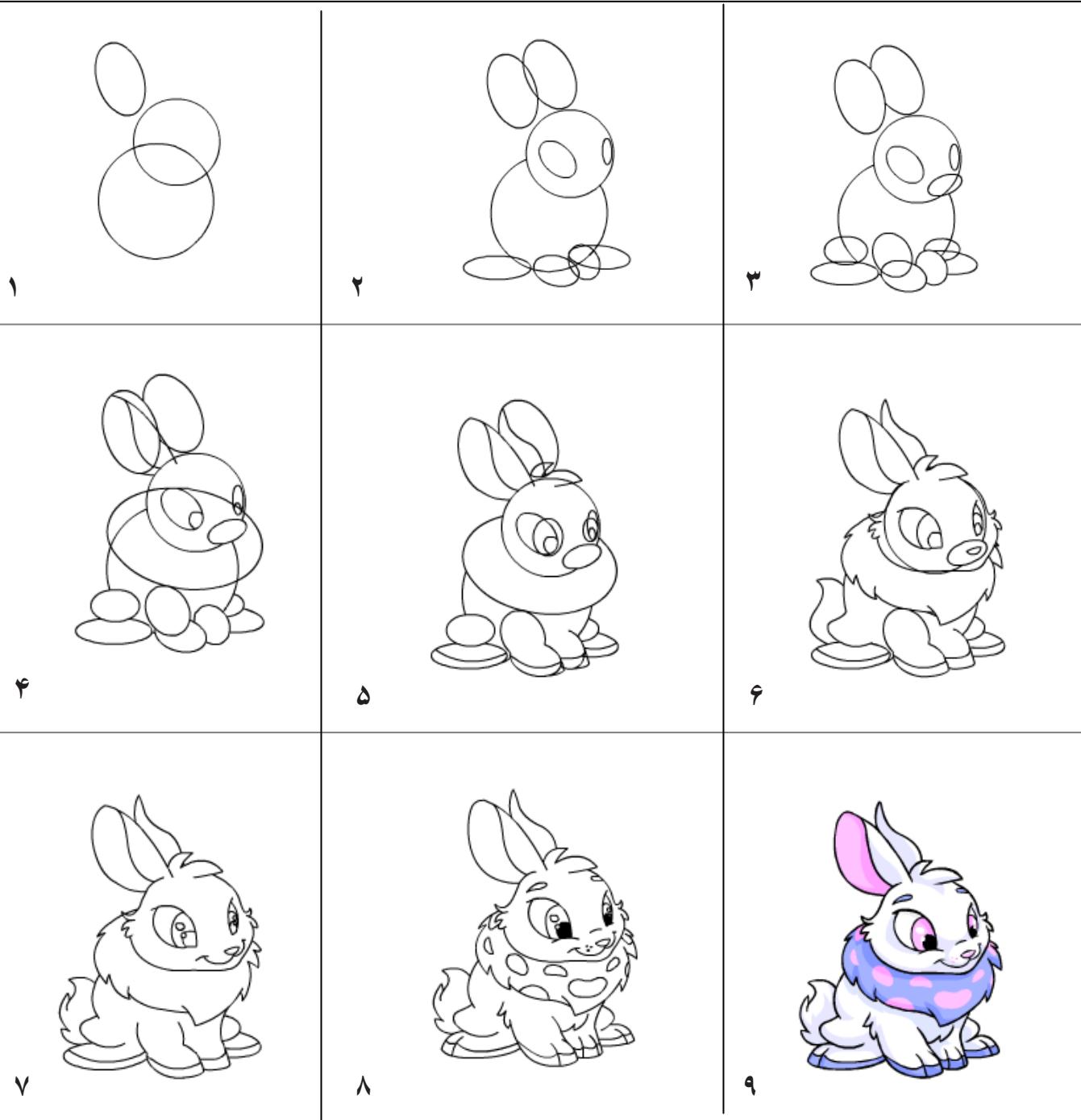
. \_\_\_\_\_

کلان، دارد، اسپ، برادرم، یک

. \_\_\_\_\_

مزه، افغانستان، تربوز، دارد

. \_\_\_\_\_



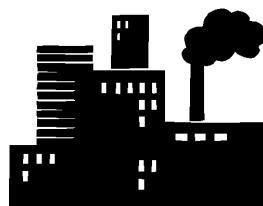
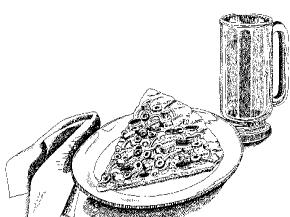
شکل بالا را به ترتیب رسم نموده سپس رنگ آمیزی کنید و یک کاپی آن را با یک قطعه عکس تان به آدرس پستی یا ایمیل اداره نهال بفرستید.  
shahmoama@yahoo.com

پیوسته به شماره های گذشته  
م. آذر

# بیایید فارسی بیاموزیم!



ظ

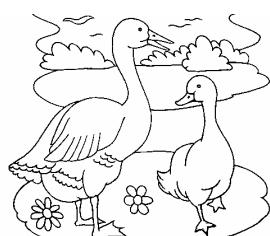


ظرف

مواظبت

غلیظ

غ



غذچه

مرغابی

چراغ



مواظبت

غلیظ

غذچه

مرغابی

چراغ

ظالم

باغ

زاغ

بغل

غلط

دوغ

قوغ

کودکان باهوش و نازنین، با پیگیری این سلسله از نخستین شماره این مجله تا به حال توانستید تمام حروف الفبای فارسی را بیاموزید و اینک آن را یکبار دیگر به ترتیب می نویسیم:

**آ-ا-ب-پ-ت-ث-ج-چ-ح-خ-د-ر-ز-ڙ-س-ش-ص-ض**

**ط-ظ-ع-غ-ف-ق-ک-گ-ل-م-ن-و-ه-ء-ي**

از این بعد در این سلسله با سرگرمی ها، پرسش ها و تمرینهای الفبا سر و کار خواهیم داشت. در صورتی که بخواهید تمام حروف الفبای فارسی را بیاموزید، باید از نخستین شماره "نهال" این سلسله را دنبال کنید.

حرفهایی را دریابید که به هر یک از حرف های داده شده آواز نزدیک و مشابه داشته باشد:

ز ، ، ز

ت ، ، ت

- واژه های زیر را به حروف تجزیه کنید:



- واژه های زیر را طوری تکمیل کنید که هر گروه بدست آمده به گونه یی با هم ارتباط داشته باشند.

كتا ، د س، لم، م تب، مع م، ش گرد، كتابه ه  
مپ، چو ى، تخ ه، صن، ت اشير، تخته پ ك  
غ ا، آش ز، آشپزخ نه، ظر، کا ه، بش اب  
تو، يخما ك، گا، ميد ن، بایسک، ریه مانباری

- واژه هایی هر سطر را که دو و یا بیشتر حرفهای مشترک داشته باشند، با هم وصل کنید:

دنیا زندگی دوری سرخ سرد سوخته

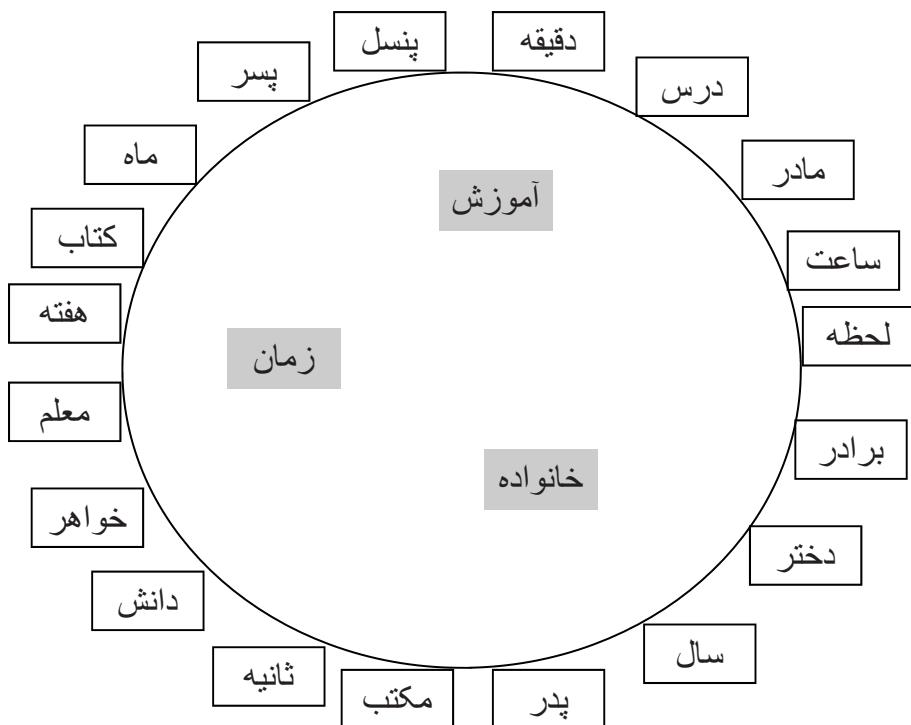
موش

نوشتہ منار

چشم

چمن مشت

- واژه‌های اطراف دایره را به بخش مربوط آن در داخل دایره وصل کنید.



با استفاده از واژه‌های شکل بالا، جملات زیر را تکمیل کنید.

جای آموزش علم و دانش است. \_\_\_\_\_

من هر روز بیشتر از یک \_\_\_\_\_ درس میخوانم.

فهیمه و فرید خواهر و \_\_\_\_\_ صمیمی اند.

یک \_\_\_\_\_ چهار هفته و یک \_\_\_\_\_ هفت روز است.

ریاضی ما بسیار مهربان است. \_\_\_\_\_

من در بکس خود \_\_\_\_\_، کتابچه \_\_\_\_\_، قلمتراش و پنسلپاک دارم.

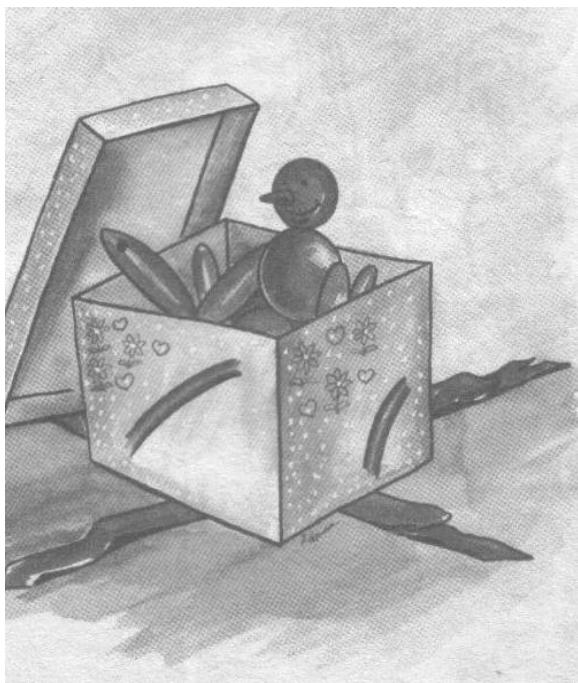
مادرم هر \_\_\_\_\_ مواظب خواه رک کوچکم است که افگار نشود.

ما باید گپهای \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ خود را خوب بشنویم.

یک \_\_\_\_\_ چهار فصل دارد که بهار، تابستان، خزان و زمستان میباشند.

من \_\_\_\_\_ پدر و مادرم و \_\_\_\_\_ فرزندان شان میباشم.

# چشم‌های آبی



و دست هایش  
این داربازک  
خیلی دراز است  
این داربازک

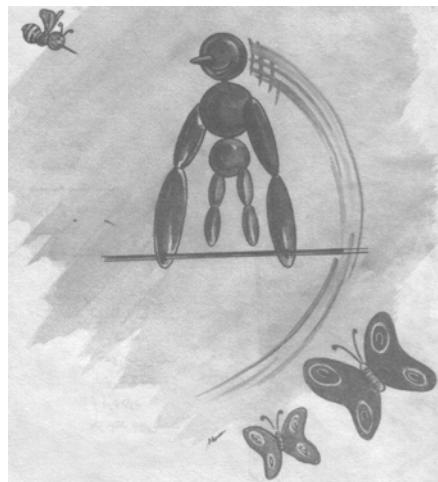
این داربازک  
از صبح تا شام  
خندید و خندید  
با دست هایش  
بر دو محور  
چرخید و چرخید



آرام باشد  
این داربازک  
غمگین و خسته سرت  
آرام باشد  
چون داربازک  
به خواب رفته سرت

این داربازک  
هر چند چوبیست  
خوب و قشنگ است  
دست و سر و پا  
تمام جانش  
سیاه رنگ است

داربازک  
مادر خریده  
هدیه برایم  
یک داربازک.  
این داربازک  
از جنس چوب است  
زیبا و کوچک



این داربازک  
مثل شما ها  
بچه ی خوبیست  
پایش شکسته  
او درد دارد  
هر چند چوبیست

بر دور محور  
او دست هایش  
همیشه بسته است  
دیروز از رف  
افقاد و حالا  
پایش شکسته است

این داربازک  
نی خواب دارد  
نی استراحت  
از صبح تا شام  
مشغول بازیست  
آرام و راحت

سرود پرداز: محمد حسین محمدی  
تصویرگران: پروین پژوک و هژیر شینواری  
مکرر فهله از دقیقه "لی لی لی لی لی هوندک"

# آیا می فهمی؟

- این واژه ها را در جاهای مناسب جملات زیر بنویسید.

دریاچه، بحر، حوض، چشمه

بزرگترین \_\_\_\_\_ جهان اقیانوس آرام است.

آب \_\_\_\_\_ ها شیرین و پاک است.

دریایی کوچک را \_\_\_\_\_ می گویند.

آبازی شهر ما کلان است.

در زیر کلمه هایی که حرف های (د، ل، ی) دارند، خط بکشید:

فرید و جمیل دوستان خوب و صمیمی اند.

دیوار های این قلعه بلند است.

گل لاله خودروی است.

لوحة مكتب ما به روی دیوار نصب است.

من دو خاله و یک عمه دارم.

لاک پشت را سنگ پشت هم می گویند.

حلیمه دوست خواهرم است.

- کدام واژه ها به گونه یی با هم ارتباط دارند	
طناب	هوا
قفل	ریسمان
اکسیجن	دروازه
پدر کلان	دختر
پنگ	مادر کلان
پسر	شیر

- حرفا های مشترک هر دسته از واژه ها را بنویسید.  
زمین، میز، مزه، مزد، نماز ( - )
- ( - ) گلاب، لبلبو، بال، لبریز
- ( - ) دشت، تشه، پشته، شتر
- ( - ) کشمش، شکم، کمر، دکمه
- ( - ) تخته، بخت، تخار، ختم
- ( - ) غمگین، غلام، مغز
- ( - ) سرمه، راست، سیر

- شماره هر جمله را در زیر رسم مربوط آن بنویسید.
  - ۱- ماهی خار دارد.
  - ۲- بوم یک پرنده است.
  - ۳- گاو شیر می دهد.
  - ۴- فیل خرطوم دارد.
  - ۵- سنگ پشت آهسته می رود.
  - ۶- مگس یک حشره کثیف است.



( )



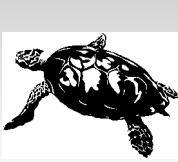
( )



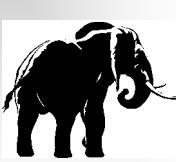
( )



( )



( )



( )

## آموزش زبان برای بزرگسالان سواد آموز

درس ششم: حرف (ب) در شروع کلمه:

دانستن:

بادنجان، بادرنگ، بادام، بازار

خواندن:

من بادنجان سیاه را خوش دارم.

شما بادام را خوش دارید.

به بادرنگ خیار هم می‌گویند.

کاکایم دیروز به بازار رفت.

بادام در مزار شریف زیاد است.

گفت و شنود:

جمال: شما بادنجان سیاه را خوش دارید؟

فرید: نه مگر پدرم خوش دارد.

جمال: بادرنگ چه رنگ دارد؟

فرید: بادرنگ سبز است.

جمال: آیا بادام مزار شریف خوب است؟

فرید: بلی بادام کاغذی آن خوب است.

جمال: در شهر شما بازار است؟

فرید: ما یک بازار کلان داریم.

نوشتن: این کلمات را بالای چهار خط بنویسید.

بادنجان، بادرنگ، بادام، بازار

مشق: این کلمات را در جاهای خالی جملات بنویسید.

بادنجان، بادرنگ، بادام، بازار

مثال: ما یک بازار بزرگ داریم.من دیروز کاغذی خوردم.پدر شما سیاه را خوش دارد.مادرم در سlad می اندازد.در شهر ما کلان است.

املا: این جملات را بعد از خواندن معلم در کتابچه های خود بنویسید.

بادرنگ سبز خوب است.

بادام کاغذی شیرین است.

بادنجان سیاه را خوش دارم.

تمرینها

الف - از حروف داده شده کلمه بسازید.

مثال: ب، ا، د، ر، ن، گبادرنگ

ب، ا، د، ن، ا، ج، ن کلمه:

د، ر، ن، ا، گ، ب کلمه:

ب، ا، م، ی، ه کلمه:

ا، د، ا، ب، م کلمه:

ر، ز، ا، ب، ا کلمه:

ب. این کلمات را تکمیل کنید. مثال: ق - د قند

کلمه: با - نجا -

کلمه: باد - نگ

کلمه: بام - ا

کلمه: ب - گ

کلمه: با - ام

کلمه: باز - ر

ج. این جملات را نفی سازید.

مثال: برادرم مهربان است.

برادرم مهربان نیست.

۱. من بادنجان سیاه را خوش دارم.

من بادنجان سیاه را خوش

۲. به بادرنگ خیار هم می گویند.

به بادرنگ خیار

۳. بامیه در اروپا زیاد است.

بامیه در اروپا زیاد

۴. مامايم قابلی پلو را دوست دارد.

مامایم قابلی پلو را دوست

۵. کاکایم دیروز به بازار رفت.

کاکایم دیروز به بازار

۶. بادام در ملک ما زیاد است.

بادام در ملک ما زیاد

و. زیر جملات درست خط بکشید.

بادنجان رومی نمی خورم من.

من بادنجان رومی نمی خورم.

بادرنگ رنگ سبز دارد.

رنگ بادرنگ سبز دارد.

بامیه است خوشمزه.

بامیه خوشمزه است.

هرات چهارشنبه بازار دارد.

هرات در چهارشنبه روز بازار دارد.

ز. این جملات را به طور صحیح روی چهار خط در کتابچه های تان بنویسید.

۱. بادام کاغذی خوشمزه است.

۲. بادنجان سیاه از بادنجان رومی فرق دارد.

۳. بامیه غذای مفید است.

۴. بادرنگ سبز است.

ح. این دو بیت را حفظ کنید:

همنشینی به از کتاب مخواه

که مصاحب بود گه و بیگاه

این چنین هدم لطیف کی دید

که نرجید و هم نرجانید

**درس هفتم: حرف (ب) در وسط کلمه**

**دانستن:**

خربوزه، تربوز، تبر، خبر، صبر، کباب

**خواندن:**

مامایم هر روز خربوزه می خورد.

کاکایم دیروز تربوز خورد.

مادرم از ما خبر ندارد.

پدرم فردا برای شما کباب می خرد.

صبر در کار ها بسیار خوب است.

تبر برای شکستن چوب است.

د. این کلمات را در جا های خالی جملات بگذارید طوریکه مفهوم جملات تغییر بخورد.

کابل، زمستان، ندارد، ترش، بیکاری، آبی، دوست

مثلاً بادنجان سیاه رنگ سوسنی دارد.

بادنجان سیاه رنگ سرخ ندارد.

۱. بادرنگ در تابستان زیاد است.

بادرنگ در زیاد نیست.

۲. بادنجان سیاه خوشمزه است.

بادنجان رومی است.

۳. بامیه در قندهار زیاد است.

بامیه در زیاد نیست.

۴. ماما میم مرا دوست دارد.

مامایم خواهرم را ندارد.

۵. کاکایم کار را دوست دارد.

کاکایم را دوست ندارد.

۶. مغز بادام رنگ سفید دارد.

مغز بادام رنگ ندارد.

ه. از این کلمات یک جمله بسازید.

۱. بادنجان، می خوریم، برادرم، و، من

۲. بادرنگ، دارید، شما، دوست، را

۳. قندهار، بامیه، مردم، بسیار، میخورند

۴. رنگ، برگ، است، سبز

۵. کاغذی، مزار شریف، دارد، بادام

### حروف «ب» در وسط کلمه:

الف. جاهای خالی جملات را با انتخاب واژه های مناسب پر کنید.

مثال: خربوزه شیرین است. تربوز هم شیرین است.

تربوز، تبر، خبر، صبر، کباب

۱. خربوزه یک میوه است.

هم یک میوه است. \_\_\_\_\_

۲. با اره چوب را می بردند.

با \_\_\_\_\_ چوب را می شکنند.

۳. برادرم به من اطلاع داد.

برادرم به من \_\_\_\_\_ داد.

۴. حوصله داشتن خوب است.

داشتن هم خوب است. \_\_\_\_\_

۵. گپ او قلبم را شکستاند.

گپ او قلبم را \_\_\_\_\_ کرد.

ب. از این کلمات یک جمله بسازید.

۱. مزار شریف، خربوزه، است، شیرین

.\_\_\_\_\_

۲. تالقان، کلان، تربوز، دارد

.\_\_\_\_\_

۳. تبر، چوب، شکستن، است، برای

.\_\_\_\_\_

۴. خبر، زود، بد را، نباید، به کسی، رساند

.\_\_\_\_\_

۵. صبر، کار، کردن، بزرگ، است، مردان

.\_\_\_\_\_

۶. او، حرف، آزرد، دلم، را، بد

.\_\_\_\_\_

### گفت و شنود:

محمود: شما چرا خربوزه را خوش ندارید؟

مسعود: من تربوز را خوش دارم.

محمود: خبر دارید که فردا مامایم می آید؟

مسعود: بلی، ما یکسال صبر کردیم تا بیاید.

محمود: چو بشکن با تبر چه میکند؟

مسعود: او با تبر چوب می شکند.

محمود: مادرم فردا برای ما کباب می پزد.

مسعود: چه خبر خوب دادید.

نوشتن: این کلمات را بالای چهار خط بنویسید.

خربوزه، تربوز، تبر، خبر، صبر، کباب

مشق: این کلمات را در جاهای خالی جملات بنویسید.

خربوزه، تربوز، تبر، خبر، صبر، کباب

مثال: خربوزه قدر بسیار شیرین است.

مزار شریف \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ شیرین دارد.

برای شکستن چوب است نه برای شکستن سنگ.

داشتن در کارها خوب است.

گوشت گوسفند مزه دارد.

ناگوار و بد را به کسی ندهید.

املا: این جملات را بعد از خواندن معلم در کتابچه های خود بنویسید.

شما خربوزه را دوست دارید؟

مادرم به تربوز هندوانه می گوید.

تبر برای شکستن چوب است.

آنها صبر کردن را دوست دارند.

کباب را کبابی مزه دار می پزد.

# جهان ما

تهیه کننده: منیژه نادری

به دنباله شماره پیشین

## ۲- قاره افریقا



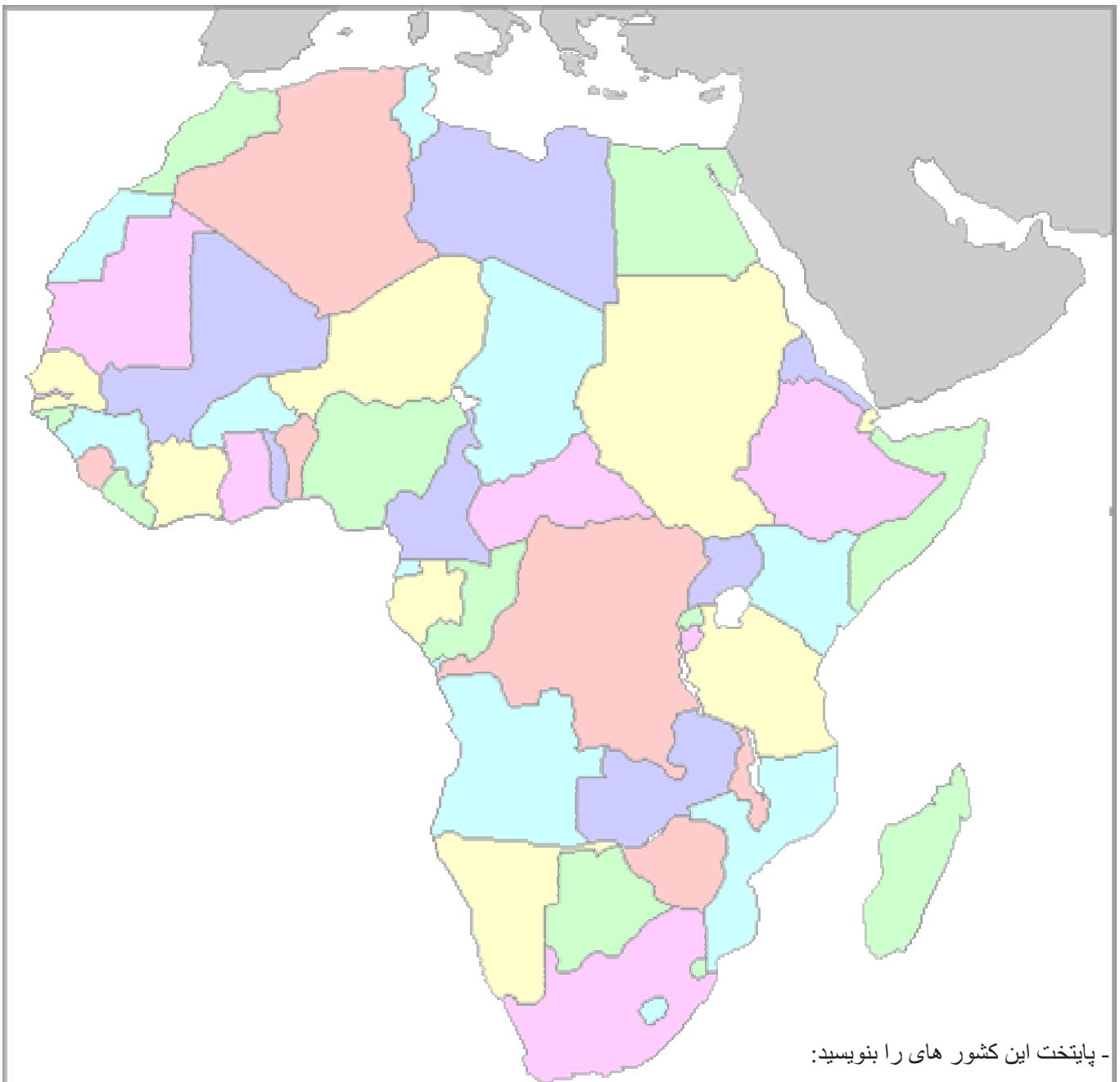
© www.africaguide.com

- ۳۴- نایجر - نیامی
- ۳۵- بین پورتو - نووف
- ۳۶- توگو - لومی
- ۳۷- گانه - اکسرا
- ۳۸- بورکینا فاسو - اوگادوگوا
- ۳۹- مالی - بَمکو
- ۴۰- گونیا - کوناکری
- ۴۱- ابفوری کواست -
- ۴۲- لیبریا - مونزوفیا
- ۴۳- سیریا - لیون
- ۴۴- گونیا - بیساو بیساو
- ۴۵- کامبیا - بانجول
- ۴۶- سینگال - داکار
- ۴۷- موریتانیا - نواکچوت
- ۴۸- صحرای غرب - ال ایون
- ۴۹- مرکش - رابات
- ۵۰- جزیره های کپی فیردی (در جنوب غرب افریقا)

- ۱- الجیریا - الجیرز
- ۲- تونیزیا - تونس
- ۳- لیبیا - تریپولی
- ۴- مصر (Egypt) - سایرو
- ۵- سودان - خارتوم
- ۶- ایرتريا - اسماره
- ۷- ژیبوتی Djibouti زیبوتی
- ۸- ایتوپیا - ادیس ابابا
- ۹- سومالیا - موگادیشو
- ۱۰- جزیره های سیوچیلی- ویکتوریا
- ۱۱- کینیا - نایروبی
- ۱۲- اوگندا - کمپالا
- ۱۳- رواندی - کیگالی
- ۱۴- بوروندی - بوجومبورا
- ۱۵- تانزانیا - دارالسلام
- ۱۶- مالاوی - لیلونگوی
- ۱۷- جزیره کومروس - مورونی
- ۱۸- جزیره ماداگاسکار - انناناروی
- ۱۹- جزیره ماریتوس - پورت لاویس
- ۲۰- زیمبابوی - هراری
- ۲۱- افریقای جنوبی - پریتوریا
- ۲۲- بوستوانا - گیبورونی
- ۲۳- نامیبیا - ویندهوک
- ۲۴- زمبا - لوساكا
- ۲۵- انگولا - لواندا
- ۲۶- کانگو(۱) - جمهوری دموکرات کینشاسا
- ۲۷- کانگو(۲) - جمهوری برازوی
- ۲۸- گابون - لیبریوپلا
- ۲۹- ایکواتوریال - گوینیا مالابو
- ۳۰- کامرون - باوندہ
- ۳۱- جمهوری افریقای مرکزی - بانگو
- ۳۲- چاد - ان دیامینه
- ۳۳- نایجیریا - ابوحی

پرسشها: - موقعیت این کشور ها را در نقشه زیرین تخمین کرده و شماره مربوطه آن را به روی نقشه بنویسید.

- |                              |                                       |                                |
|------------------------------|---------------------------------------|--------------------------------|
| ۲۰- گانه - اکسرا             | ۱۰- بوسنیا- گورونی                    | ۱- تونیزیا - تونس              |
| ۲۱- بورکینا فاسو - اوگادوگوا | ۱۱- زمبیا- لوساکا                     | ۲- مصر - سایرو                 |
| ۲۲- گونیا - کوناکری          | ۱۲- کانگو(۱) - جمهوری دموکرات کینشاسا | ۳- ایتالیا - ادیس ابابا        |
| ۲۳- لیریا - مونروفیا         | ۱۳- ایکواتوریال - گویینیا مالابو      | ۴- اوگندا- کمپلا               |
| ۲۴- سیریا - لیون             | ۱۴- کامبیرون - یاونده                 | ۵- تانزانیا- دارالسلام         |
| ۲۵- گامبیا - باجول           | ۱۵- چاد- ان دیامینه                   | ۶- مالاوی - لیونگوی            |
| ۲۶- سینیگال - داکار          | ۱۶- نایجریا - ابوچی                   | ۷- جزیره ماداگاسکار- انتاناروی |
| ۲۷- موریتانیا- نواکچوت       | ۱۷- نایجر- نیامی                      | ۸- جزیره ماریتوس - پورت لاویس  |
| ۲۸- مراکش - رابات            | ۱۸- توگو- لومی                        | ۹- افریقای جنوبی - پریتوریا    |



- |                       |                     |                    |
|-----------------------|---------------------|--------------------|
| ۱- الجیریا -          | ۸- کینیا-           | ۱۵- انگولا-        |
| ۲- لیبیا -            | ۹- راوندی -         | ۱۶- کانگو(۲)-      |
| ۳- سودان - خارتوم     | ۱۰- بوروندی -       | ۱۷- گابون-         |
| ۴- ایرتریا - اسماره   | ۱۱- موزمبیق-        | ۱۸- بینن پورتو -   |
| ۵- ژایپوتی -          | ۱۲- جزیره کوموروس - | ۱۹- مالی -         |
| ۶- سومالیا -          | ۱۳- زیمبابوی -      | ۲۰- ایفوری کواست - |
| ۷- جزیره های سیوچیلی- | ۱۴- نامیبیا-        | ۲۱- موریتانیا-     |

از: احسان سلام

# خند و قروت

## زن گیرمیانه رو

روزی برای خواستگاری به خانه یکی از هموطنان مان رفته بودیم. وقتی خواستیم تا پسرمان را به غلامی شان قول کنند، مادر دختر پرید به میدان و پرسید:

- بچه قبول شده یانی، پاسپورت خارجی داره یانی؟
- نی، پاسپورت داخلی داره!
- مدل موتورش چیست؟
- پایکش چینایی.
- خانه مانه داره؟
- بچه ما آدم اجتماعی اس، در لاگرزنده گی میکنه.
- ریشن بودنه یی است یا دُم موشی؟
- هیچ کدام، دُم گوسفندی.
- از کدام مغازه خورد و خوراک تانه می خرین؟
- از "الدی".
- اخلاق بچه چتو است: گوشت خور است یا سبزی خور؟
- گُت مُت مثل پشک.
- فرهنگ ای "زن گیر" شرقیس یا غربی: چاقه خوش داره یا لاغره؟
- والله خوارجان، بی فرهنگ است.
- نگفته که بچه تان سیاسته می فامه یا نی؟
- چتو خوارجان؟
- ده گورتاریکی، بنیاد گر است یا لیبرال؛ دخترم تنگ بپوشه یا گشاد؟
- قربان سرت، میانه رواست.
- مه فکر خوده کدیم، برو خوارجان، بچه تانه ترشی پرتنی!

## باید طنز را بشناسیم

خنده آین خردمندان است.  
(جامی)

## چرا می خنديم

خنده یکی از عناصر اساسی طنز است. خنده طنز با خنده های که در هجو، هزل، فکاهه و بذله وجود دارد، تفاوت دارد. خنده طنز برای تفریح، سرگرمی، مجلس آرایی و خوش گذرانی نیست. خنده طنز پوشش ظرافت آمیزی است برروی بیان های انتقادی. این خنده تلخ، جدی، دردناک و همراه با سرزنش و سرکوبی است.

خنده طنز نوعی علاقه و دلسوی است؛ ناراحت می کند اما ممنون می سازد. هدفش دگرگونی، بازسازی و اصلاحگری است.

نیشخند طنز که همان خنده درد آلود طنز است، نوعی اشاره و تنبیه اجتماعی است. وقتی ما طنزی را می خوانیم یا می شنویم، نخست می خنديم، بعد به فکر فرومی رویم که چرا خنديم. در پی خنده طنز همیش عبرتی نهفته است. تضاد، تعارض، تقابل، بیان وارونه معانی، تعریف سرچپه مفاهیم، نتیجه گیری غیر منطقی و به کارگیری روش ها و شگرد های دیگر سبب ایجاد خنده در طنز می شوند.

خنده طنز، کارد برنده یی است برای بریدن گوش های مردم اصلاح نایذیر. مولیر میگفت: "انسان از تنبیه رویاروی نمی هراسد، ولی توان آن را ندارد تا کسی بر او بخندد."

طنز کلام دوپهلو است، یعنی: باطنش، درد، تنفس، گریه و عصیان؛ وظاهرش، خنده، نشاط و شوخ طبعی است. طنز پرداز فقید کیومرث صابری نوشت: "طنز یعنی گریه کردن قاه قاه؛ طنز یعنی خنده کردن آه آه."

## زبان مادراندري

- از پروانه جان پرسیدند:
- در خانه تان به کدام زبان حرف میزنی؟
  - به زبان انگلیسی.
  - چرا به زبان مادریت گپ نمی زنی؟
  - برای این که، مادراندر دارم.

از منابع آلمانی

## لبخند بیگانه

پیرمردی ساعت سه شب، نوجوان دوازده ساله یی را دید که در جاده قدم می زند. نزد او رفت و پرسید:

- توحالا باید در خانه می بودی؟
- جوانک گفت:
- چرا؟ من تا به حال ازدواج نکرده ام.



منیزه نادری

# صنف زبان مادری ما

پیوسته به کنشه

قسمت هایی از این بخش از منابع زیرین اقتباس شده اند:  
”دستور زبان فارسی“ از دکتر پرویز نائل خانلری ”دستور تاریخی زبان فارسی دری“ اثر دکتور محمد حسین یمین، ”دستور زبان دری“ از اکبر سنا غزنوی

در مثالهای بالا دیده میشود که برای به کار بردن گذشته دور یا ماضی بعيد، بعد از حالت گذشته فعل، حالت گذشته ”بودن“ را به شکل فعل کمکی با در نظرداشت فاعل جمله به کار میبریم.

گردان فعل ماضی بعيد از مصدر (دیدن) این گونه است:

جمع	فرد
گوینده	دیده بودیم
شنونده	دیده بودی
غایب	دیده بود

ه. ماضی التزامی: از اجرای کاری خبر میدهد که باید در گذشته واقع شده باشد، ولی در مورد اجرای آن شک و تردید یا حتم وجود دارد. از این رو آن را گذشته احتمالی یا التزامی می گویند. نشانه های آن باید و شاید است. مثال:

ناجیه باید تصمیم خود را گرفته باشد.  
هارون و فرهاد شاید به کابل رسیده باشند.  
من شاید گاهی او را دیده باشم.  
شما شاید شنیده باشید که ...  
مادرم و من شاید آن را خریده باشیم.  
تو باید او را درک کرده باشی.

باز هم دیده میشود که در این حالت، فعل به تنها ی خود به کار نمی رود و با خود ریشه شماره یک ”باش“ را دارد.

## ۲- فعل مضارع

فعل مضارع اجرای کاری را در زمان حال و یا در آینده نزدیک نشان می دهد و به دو گونه است:

الف: مضارع اخباری: اجرای کاری را در زمان حال نشان میدهد ولی تأثیر و نتیجه آن تا آینده نزدیک هم میتواند ادامه پیدا کند. مثال:

هرگاه از کسی پرسیده شود که چی میخوانی؟ و او در جواب بگوید: ”شاہنامه میخوانم.“ میدانیم که همین اکنون ”شاہنامه“ میخواند. و اگر از کسی پرسیده شود: ”چه وقت به خانه برمیگردی؟“ و او در جواب بگوید وقتی که از کار فارغ شدم، برمیگردم، این به آینده تعلق دارد.

یادداشت: هرگاه فعل مضارع امور همیشگی را نشان دهد، همان زمان حال را میرساند. مثال:

زمین به دور آفتاب می چرخد.  
افغانستان در قاره آسیا است.

هند از جمله پرنفوس ترین کشور های جهان میباشد.

گردان فعل مضارع اخباری با مصدر (رفتن) این گونه است:

جمع	فرد
گوینده	میروم
شنونده	میروی
غایب	میروند

فعل از لحاظ زمان به سه قسم است: ماضی (گذشته)، مضارع (حال)، مستقبل (آینده)

### ۱- فعل ماضی:



اجرای کاری را در گذشته نشان میدهد. در فارسی پنج گونه زمان گذشته را به کار میبریم:

الف. گذشته مطلق: این گونه زمان به کنش کاری استفاده می شود که یکبار در گذشته انجام یافته باشد. مانند: طالبان بت های بامیان را انفجار دادند.

گردان فعل گذشته مطلق از مصدر (دیدن) این گونه است:

جمع	فرد
گوینده (متکلم)	دیدم
شنونده (مخاطب)	دیدی
غایب	دیدند

ب. ماضی قریب یا ماضی نقلی: فعل ماضی قریب نشانده اند اجرای امریست که در گذشته واقع شده است) و تا اکنون هم ادامه دارد. به گونه مثال:

من این قصه را شنیده ام.  
تو این حرف را گفته ای!  
او درس خوانده است.  
ما بازار رفته ایم.  
شما از این راه رفته اید.  
آنها این فلم را دیده اند.

گردان فعل ماضی قریب از مصدر (رفتن) این گونه است:

جمع	فرد
گوینده	رفته ام
شنونده	رفته ای
غایب	رفته است

ج. ماضی استمراری: به فعلی گفته می شود که در گذشته رخداده و تا مدتی در گذشته تکرار یافته است. مثال:

آنها هر روز به دیدن با غمی آمدند.

او لباس ژولیه می پوشید.

مادرم هر صبح نان گرم می پخت.

ما شبانه تا ساعت ده، درس میخواندیم.

من هر صبح به دیدن گلهای می رفتم.

تو بار بار او را می گفتی.

شما حقیقت را می دانستید!

د. ماضی بعيد: اجرای کاری را در گذشته دور و پیش از اجرای کار دیگری نشان میدهد. مثال:

تلوزیون را که روشن کردم، برنامه پایان یافته بود.

پولیس که رسید، دزدان فرار کرده بودند.

حرف تمام نشده بود که تو به خواب رفته بودی.

دروازه را که باز کرد، من ایستاده بودم.

هنوز درس را تمام نکرده بودیم که زنگ تفریح صدا زد.

من که آدم، شما به سفر رفته بودید.

ب. مضارع التزامی: آنست که ضرورت امری یا کاری را نشان دهد. مثال:

من باید هرچه زودتر او را ببینم.

آنها باید به وقت ببیانند.

شما باید این کتاب را بخوانید.

پدرش باید این حرف را برایش بفهماند.

شاگردان باید آگهی لازم را در مورد داشته باشند.

ما باید بی تفاوت نباشیم.

تو باید ساعت چهار آنجا باشی.

### ۳- مستقبل (آینده)

فعل مستقبل اجرای کاری را در آینده نشان می دهد. این فعل همیشه با مصدر (خواستن) استعمال می شود؛ طوری که نخست فعل کمکی (خواستن) با در نظرداشت فاعل نوشته میشود و سپس حالت گذشته فعل اصلی جمله را می نویسم. مانند:

من دانشگاه خواهم خواند.

تو این حرف را خواهی شنید.

ما گواهی خواهیم داد.

شما فردا وقت رخصت خواهید شد.

فرنگیس این سخن را به برادرش خواهد گفت.

آنها به حقیقت پی خواهند برد.

گردان فعل مستقبل با مصدر (رفتن) این گونه است:

#### جمع

گوینده	خواهم رفت
شنونده	خواهید رفت
غایب	خواهد رفت

### افعال معاون یا کمکی

در زبان فارسی مانند زبان های اروپایی فعل های کمکی وجود دارد که در فرهنگ "عمید" از آن (بنام فعل معین) چنین یاد شده است:

فعل معین فعلی است که افعال دیگر به کمک و معاونت آن صرف می شوند و آن چهار فعل است:

است: به کمک آن ماضی نقلی صرف میشود مثل: گفته ام، گفته است، گفتم، گفتهیم.

بودن: ماضی بعید و ماضی التزامی به کمک آن صرف می شود؛ مثل: گفته بودم، گفته باشم.

خواستن: مستقبل به کمک آن صرف می شود؛ مثل: خواهم زد، خواهند زد، خواهید زد.

شدن: افعال مجھول به کمک آن صرف می شود؛ مثل: گفته شد، گفته شده است.

در مورد فعل و کاربرد افعال در موارد مختلف گفتنی ها زیاد است؛ ولی در این نوشته صرف به مسائل اساسی کاربرد فعل توجه شده است. در اینجا یادداشتی را در مورد

کاربرد افعال به شکل فعل کمکی ارایه میدارم.

بیایید استفاده فعل "کشیدن" را نظر بگیریم:

پدر بیمارم بسیار درد کشید.

پسرک فریاد کشید.

قاسم سگرت می کشد.

در فارسی شمار افعالی که به شکل فعل کمکی بکار میروند، زیاد است که برای تکمیل مفهوم جمله با بخش اصلی یا مایه فعل استفاده میشوند. به این مثال توجه کنید: او از گفتن حقیقت عاجز ماند. نمیتوانیم بگوییم که "او از گفتن حقیقت عاجزید".

در این جمله "عاجز" مایه فعل و "ماند" فعل کمکی است. برای پایان این بحث شماری از عبارت هایی را که از مایه اصلی و فعل کمکی ساخته شده اند، بر شمرده ام که یادگیری آن ضروری پنداشته می شود.

ترک کردن	افزایش یافتن
تولید کردن	توسعه / گسترش یافتن
توقع کردن	کاهش یافتن
ادعا کردن	شكل یافتن / گرفتن
افتخار کردن	انجام یافتن
دعوی کردن	بالا رفتن
تلاش کردن	پایین آمدن
زمینه سازی کردن	به میان آمدن
درخواست/خواهش کردن	مواجه شدن
تقویه کردن / شدن	تنگdest بودن
گمراه شدن	سزاوار بودن
دیوانه شدن	در خور بودن
ختم شدن	انتقام گرفتن
آسان شمردن	فرض گرفتن / دادن
به آگهی رسانیدن	تصمیم گرفتن
خیز زدن	اجرا کردن
انجام دادن	برخورد کردن
سهم دادن	ارسال کردن
مزده دادن/آوردن	وزن کردن
قرض دادن	آغاز کردن
انگیزه گرفتن	طلب/درخواست کردن
صورت گرفتن	زنگی کردن
برتر شمردن/دانستن	درک کردن
بی ثبات ساختن	سقوط کردن

### تمرین ها

- زمان هر یک از جمله های زیر را مشخص سازید و سپس این جملات را به گذشته استمراری تبدیل کنید.

**مثال:** فهیم این کتاب را خواهد خواند. (سال پیش)

**فهیم سال پیش این کتاب را می خواند.**

من با عجله به مکتب رفتم. (هر صبح)  
مادر و پدرم در هر رختی تابستانی به افغانستان میروند.

رفتار او به نظر همه عجیب جلوه می کند.

شما او را متوجه حرفاهاش کنید.

علم با حوصله مندی به سوالات جواب داد.

تو از آنها چه می خواهی؟

آنها جواب این سوال را نخواهند دانست.

ما نباید بچه ها را به آن برنامه رسمی ببریم.

فرشتہ آش نمی خورد.

چرا ادرس کتابهاش را مکتب نمی برد؟

ما در مورد آن حادثه به کسی چیزی نگفتم.

فرهاد بسیار کار می کند و دستاش آبله دارد.

برادرش همزمان که قصه میکند، می خنده.

گفته های علم بالای شاگردانش تأثیر می گذارد.

- این جملات را به زمان آینده تبدیل کنید.

**مثال:** او از دیدن این فلم هیجانی شده بود.

او از دیدن این فلم هیجانی خواهد شد.

پدر و مادر نرگس به کابل رفته اند.

سپهرا این کتاب را خوانده می تواند.

شکیلا و من در این کوچه زندگی می کردیم.

آنها به گناه شان اعتراف کردند.

کابل شهر زیبایی بود.

شما باریکی این نکته را میدانید.

این هفته نامه تنها در شهر مزار پخش می شود.

آنها قدر دوستی شما را می دانند.

داقتک بعد از معاینه مریضی او را تشخیص کرد.

بعد از یازده شب گشت و گذار در این پارک ممنوع است.

تو در آنجا تنها زندگی میکردم.

اجراه این کار برایش دشوار بود.

خواهر گل هارا آب داد.

- صیغه یا ساخت فعل های زیر را در زمانهای گذشته استمراری، گذشته بعدی و زمان حال گردان کنید.

**بسن:** شخص دوم، جمع

**ربوند:** شخص اول مفرد

**شمیدن:** شخص سوم، مفرد

**دانستن:** شخص دوم، مفرد

**گذیدن:** شخص اول، جمع

**شوریدن:** شخص سوم، جمع

- ماده فعل های زیر را مشخص سازید:

اندیشیدم، اندیشندن، خواهید اندیشید

برداشتی، برداشتند، برداشت

نوشیدند، می نوشیم، خواهی نوشید

بخشیدیم، می بخشدند، بخشیده بود

ساییدم، می سایند، می سایی

- چهار جمله سازید که در آن فعل امری بکار رفته باشد.

**مثال:** لباسهایت را در الماریت بگذار!

- چهار جمله سازید که در آن فعل شرطی استفاده شده باشد.

**مثال:** اگر درس میخواندی، ناکام نمی ماندی.

- نخست در زیر "فعل" جملات زیر خط بکشید. سپس با

استفاده از واژه های داده شده، فاعل جمله را تغییر دهید و

جمله را تکمیل کنید. بعد هر جمله را به حالت گذشته مطلق

و گذشته قریب تبدیل کنید.

**مثال:** فرید به شهر میرود. (فرید و خواهرش)

فرید و خواهرش به شهر میروند.

فرید و خواهرش به شهر رفتد.

فرید و خواهرش به شهر رفته اند.

ناهید درس میخواند. (دختر ها)

آنها از کار شما قدردانی میکنند. (ما)

من خود را ناراحت احساس می کنم. (شما)

ما فلم جالبی را می بینیم. (وحیده و مادرش)

آپا تو در مورد این گپ می فهمی؟ (پدرت)

ایرج حشرات خطرناک را بدست میگیرد. (من)

سودابه دنبال پولش می گردد. (کامبیز)

شما بیشتر نوشابه های سرد می نوشید. (تو)

### امروزی، افغانستان و تاجکستان نشان

میدهد، خواننده اثر را با صورت

مکتوب آن نیز آشنا می سازد؛ در

کنار آن صورت صوتی و آوای و

گونه های مختلف تلفظی آن را به

صورت سی. دی. در خدمت خواننده

گان کتاب قرار میدهد. بی گمان این

اثر بی هیچ مبالغه بهترین هدیه بی برای تمامی فارسی زبانان،

هواداران زبان و ادب در کشور های جهان است و جناب استاد

علی نیر نوید را سپاسگزار باید بود که بیشترینه کار تهیه این

اثر را به عهده داشته اند و این کتاب را به همکاری شماری از

فرزانگان و فرهیخته گان و استادی دانشگاهیان غرب (دانشگاه

زبانشناسی مونشن) به دست چاپ سپردهند.



### قرأت فارسی، هدیه بی از غرب

کتابیست به زبان آلمانی و نمودارهایی از متون فارسی، همراه با رسم الخط آوانگار بین المللی. این اثر که از سوی اساتید زبانشناس بخش زبان شناسی دانشکده زبانشناسی مونشن پیتر مون و نیر علی نوید تهیه شده و برای دانشجویان و هواداران زبان و ادبیات فارسی در غرب تدارک دیده شده است، کار فراگیری، پژوهش زبان و ادب فارسی را پی میگیرد.

این کتاب که بر اساس معیار های پژوهشی دانشگاهی غرب نوشته شده، در پهلوی آن که سیر و سیمایی دگرگونی زبان و ادب فارسی را در کشور های فارسی زبان مانند ایران

# جوانه ها



نوامبر سال ۲۰۰۷، منیر سپاس

## عروس ساز ها در میان انگشتان زهره طاهری میرقصد

می گویند سیتار شاه ساز های شرق و ویلون عروس ساز های غربی

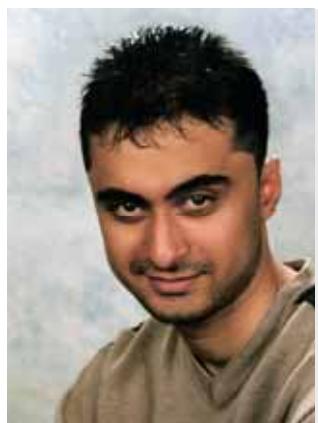
میباشد در وطن ما برای یک آله موسیقی دو نام داده اند ویلون یا فواد طاهری هر دو یک نام اند برعی از دوستان هنرمند دست بلندر احمد فواد طاهری را از روی مهر و شهرت که در نواختن ویلون دارد فواد ویلون می گویند. بگذیریم اینجا سخن از دختر فواد طاهری زهره طاهری است. دختر نوجوانی که در او امید ویلون افغانستان را می بینم و به سلسله معرفی چهره هایی هنری برای نهال این بار پاسخ و پرسشی با زهره طاهری در منزل شان در شهر هامبورگ جمهوری اتحادی آلمان انجام داد.

پاسخ ها

سال تولد، محل تولد، از چند سالگی شروع به یاد گرفتن ویلون آغاز کرده ای، غیر از پدرت فواد طاهری نزد کسی دیگری ویلون را می آموزی نام و محل آنرا برای ما بگو، آیا تا حال برنامه یی اجرا کرده ای در کجا و چند بار؛ به کدام نوازنده های ویلون و آواز هنرمندان علاقمند هستی، و پیامت برای دیگر نوجوانان چیست؟

پاسخ ها

من در سال ۱۹۹۲ در شهر کابل تولد شده ام، از سال ۲۰۰۳ از پدرم درس ویلون می گیرم و همچنان نزد دو استاد آلمانی آقای بومیر و سری کومکی در مکتب موزیک جوانان هامبورگ نیز آموزش میگیرم. پدرم برایم موسیقی شرقی و آلمانها موسیقی غربی درس میدهد. در میان نوازندگان ویلون اول به پدرم فواد طاهری و بعد به هنر هیمیری هان و یادومیسی علاقه دارم. من گیتار و پیانو را نیز دوست دارم و به آواز وحید قاسمی علاقه دارم و در میان خارجی ها گیاسی و گروه بیتل را می شنوم و تا حال بیشتر از ۲۵ برنامه در هامبورگ اجرا کرده ام. پیام من به دیگر نوجوانان این است که اگر به موسیقی علاقه دارند و میخواهند در یکی از بخش های آن کار کنند، باید آن را درست پیش یک استاد بیاموزند. موسیقی یک مصروفیت سالم نیز است و بسیار خوب است اگر دختر های افغانستان در داخل و خارج به موسیقی علاقه بگیرند و به آن پردازند، زیرا موسیقی تنها برای بچه ها (مرد) نیست.



هالند به سر میبرد، میداند.  
با درک این که بخش تخنیک  
موسیقی افغانستان بنا به نبود  
کرهای مسلکی و امکانات،  
در وضعیت نامتناسب با  
کشور های پیشرفته قرار  
دارد، تمیم در هالند در رشته  
موسیک پرديوسر و ضبط  
موسیقی نیز آموزش دیده است  
و علاقه دارد بیشتر به آن  
پردازد.

اخيراً بعد از تلاش و دشواری های زياد نخستين آهنگ تمیم تابان بهارزنده به همکاري "کيهان ستديو" ضبط نوار شده، ویديو كليب آن از طريق N.W.O. Intertentment آمده نشر شده است. تمیم از نبود امکانات تخنیکی و اقتصادی در ضبط اين ویديو كليب میگويد و يکی از دلایل پرداختن او به رشته موزیک پرديوسر نیز همین تجربه نخستین او است. البته قابل يادآوریست که تصنیف و کمپوز این آهنگ نیز از کار های خودش میباشد.

تمیم تابان فرزند دگروال متولد عبادالقیوم "ترین" در شهر کابل به دنیا آمده است. در کودکی تجارب تلحیح را در کشورهای ایران و پاکستان دیده است. تمیم تحصیلات ابتدایی خود را در پاکستان به پایان رسانیده و از هفت سال به اینسو در کشور هالند به سر میبرد و در رشته رهنمای سپورت آموزش دیده است.

تمیم تابان از کودکی به هنر موسیقی علاقمند بوده است و نخستین تجربه هایش در این راستا به دوران نوجوانیش بر میگردد. او در سن چهارده سالگی به ساختن کمپوز یکی از سروده های پدرش پرداخت. نظر به تشویق خانواده و دوستان و علاقه نهایت خودش در شماری از کورس های موسیقی "اسلام آباد" آموزش یافت و به ویژه افتخار شاگردی عرفان گومند یکی از استادان موسیقی را کسب کرد.

تابان در هالند نیز بنا به شوق و استعدادی که در هنر موسیقی دارد، آرام نشسته و با پشت کار و پیگیری بیشتر، تلاش هایش بی نتیجه نمانده است. اکنون استاد پنبد آشوك "پتهک" دستگیر و راهنمایش است. تمیم پیشرفت خود را شخصاً مدیون رهنمایی ها و همکاری مستقیم احمد پرویز آوازخوان شناخته شده کشور که در

برای شان زمزمه کند.  
سحر به اثر تقاضای مکرر اطفال یکی از آهنگ هایش را زمزمه می کند.

نوروز در مورد مشوقین سحر می پرسد که کی ها در این راستا وی را تشویق می کنند. سحر با علاقمندی تمام می گوید: "اعضای خانواده، هم صنفی ها و هموطنان بیشتر مرا استقبال می کنند، من خودم را مرهون تشویق همه آنها می دانم."

خاله گادیران می پرسد: علاوه بر موسیقی، در کارها خاله هم سهم می گیرید و سایر مصروفیت هایت چیست؟ سحر می گوید: "انگلیسی و کمپیوتر را در کورس ها تعقیب می کنم و در تمام کارهای خانه سهم می گیرم."

سپوژمی در مورد این که آیا در هنگام کنسرت تحت تاثیر حاضرین تالار رفته بودم، یا نه، از وی می پرسد.

سحر می گوید: "در اولین کنسرت کم، کم تحت تاثیر حاضرین تالار رفته بودم، اما حرف های استادم مرا روحیه می بخشید که می گفت فکر کن هیچ کسی در تالار نیست، تنها خودت استی و بس".

اطفال از سحر می پرسند که به چند زبان آهنگ خوانده می توانند؟

سحر در پاسخ می گوید: "به زبانها دری، پشتو، اردو، پنجابی و انگلیسی. با یاد گفت که شعر آهنگ هایم را از شاعران می گیرم و کمپوزیت هایم را استادم می سازد."

نوروز از سحر در مورد سفرهایش به خارج از افغانستان پرسید. سحر گفت: "چندی قبل در فستیوالی به کشور فرانسه رفتم، در آنجا خیلی ها تشویق شدم."

اطفال می پرسند آواز خوانی از لحاظ اقتصادی برایت چه دست آورده است؟ سحر می گوید: "نسبت به شوق و علاقه ای که دارم، آهنگ می خوانم. هدفم از اجرای آهنگ صرف بدست آوردن پول نیست، چنانچه عاید یکی از کنسرت هایم را به سیالاب زده گان و لایت جوزجان فرستادم."

سحر بنابر خواهش اطفال، یکی آهنگ های پشتونیز میخواند که توجه همه را به صداش جلب می کند.

خاله گادیران از پدر سحر در مورد هنر سحر می پرسد. پدر سحر می گوید: "یکی از روز ها، سحردر آشپزخانه مصروف کار بود و آهنگی زمزمه می کرد. وقتی آوازش را شنیدم، فکر کردم رادیو روشن است؛ اما وقتی دقت کردم متوجه شدم که آهنگ موزیک ندارد. فهمیدم این سحر است که زمزمه می کند، از آن به بعد وی را تشویق به آواز خواندن کردم."

در همین هنگام خاله گادیران اطفال را متوجه وقت می سازد. هر چند اطفال نمی خواهند با سحر خدا حافظی کنند اما ناگزیر چنان کرده، با گادی جادویی راه خانه هایشان را در پیش می گیرند.

"تصمیم تهیه یک سی دی از آهنگ های محلی برای علاقمندان صدایم دارم".

حسام الدین همدرد ، برگرفته از سایت بی بی سی

سپوژمی گوش به آهنگی داده و با آن زمزمه می کند. نوروز برادرش آمده در مورد بیت خواندن وی می پرسد. سپوژمی از صدای آواز خوان آن آهنگ تعریف می کند. هر دو در همین مورد باهم سر گرم صحبت اند که خاله گادیران می رسد.

اطفال پس از سلام علیکی با خاله گادیران، مسله را با او در میان می گذارند.

خاله گادیران آن آواز خوان را سحر آفرین نامیده و از صدا و آهنگ های شادش به اطفال یاد می کند.

سر انجام به این نتیجه می رساند تا همه باهم به دیدن سحر آفرین بروند. گادی جادویی حاضر شده، همه در گادی جا می گیرند و گادی پرواز می کند.

سپوژمی به آواز بلند از خاله گادیران می پرسد: سحر آفرین در کجا زندگی می کند و چند سال دارد؟

خاله گادیران می گوید: سحر آفرین در شهر کابل زندگی می کند و ۷ سال دارد.

بعد از حرف های زیاد، بالاخره گادی در برابرخانه یی فرود می آید. خاله گادیران توضیح می دهد که این خانه، خانه سحر آفرین است.

همه به منزل سحر می روند. بعد از معرفی با سحر آفرین، خاله گادیران علت آمدن شان را توضیح می دهد.

سحر با لبخند از مهمانش پذیرایی می کند. سپوژمی با پیش دستی می پرسد: از چه وقت به آواز خوانی شروع کرده ای؟

سحر می گوید: از کودکی علاقه زیاد به آواز خوانی داشتم. زمانی در پاکستان بودم، در صفت چهار ترا نه ها و نعت های را می خواندم، بعد سرگروپ تیم ترا نه شدم. اما وقتی به کابل آمدم بیشتر از پیش به ارزش موسیقی پی بردم تا این که به آموزش در این راستا شروع کردم و به تقاضای اطفال نعت خواندم.

سپوژمی می پرسد که با کدام نوع آلات موسیقی دسترسی دارد؟ سحر می گوید: "کمابیش به هارمونیه و کیبورد دسترسی دارم، اما علاقه دارم تا در عرصه موسیقی و آواز خوانی در هند و ستان تحصیل کنم."

نوروز در مورد این که تا کنون در حدود چند پارچه آهنگ ثبت تلویزیون کرده است، می پرسید.

وی می گوید: مجموعا ۲۰ پارچه آهنگ خوانده ام و در حدود ۱۰۰ پارچه آهنگ دیگر را روی دست دارم.

خاله گادیران در مورد ثبت کنسرت های سحر می پرسد. سحر می گوید: "زمانیکه از پاکستان آمدم، نخست تحت نظر استادم کنسرتی در رادیوتلویزیون ملی افغانستان اجرا کردم که خیلی استقبال شدم. کنسرت دوم من ویژه سیالاب زده گا ن ولا یت جوزجان بود.

در مورد شماری از آهنگ دگرم باید بگوییم که تصمیم تهیه یک CD از آهنگ های محلی را برای علاقمندان صدایم دارم".

سپوژمی از سحر می خواهد تا یکی از آهنگ هایش را

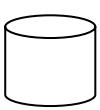


# وازگان هندسه

تیپه کننده: م. آذر



است که وجه های آن مثلث استند. وجه ها در نقطه ای مشترک به نام رأس به هم می‌رسند. قاعده هر میتواند مثلث یا مربع و یا چند ضلعی دیگری باشد.



**استوانه** Sylander: حجمی است که از اتصال دو دایره مساوی بدست می‌آید.

**محور** Axis: خطی فرضی (افقی و یا عمودی) است که از وسط اجسام میگذرد.

**هم محور** Coaxial: دو شکل یا جسم که محور مشترک داشته باشند، هم محور استند.

**وجه، سطح** Face: هر سطح صاف یک حجم هندسی، یک وجه است.

**کناره** Edge: پاره خطهای حاصل از برخورد دو وجه را گویند.

**محیط** Perimeter: لبه های یا مرز یک سطح است. پیرامون هر شکل بسته، محیط آن نامیده میشود.

**محدب** Convex: سطح منحنی مانند سطح بیرونی توب است.

**مقعر** Concave: سطح منحنی مانند سطح داخلی یک کاسه است.

**مساحت** Surface: مقدار جایی را که یک شکل هندسی مسطح در سطح اشغال می کند، مساحت گویند.

**کمان یا قوس** Arc: یک منحنی است که اگر آن را کامل کنید، دایره بدست می‌آید.

**نقائه** Protractor: وسیله ای برای اندازه گیری و رسم زاویه است. نقائه ها معمولاً بر اساس درجه ساخته شده اند.



**پرکار** Compass: وسیله بی برای رسم کمانها و دواير است. پرکار دو پایه دارد که به انتهای یکی از آنها یک سوزن نوک تیز و به انتهای دیگری پنسل یا خودکار متصل است.

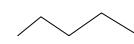
**هندسه مسطحه** Plane geometry: بخشی از هندسه است که با شکلهای دو بعدی سر و کار دارد.

**هندسه فضایی** Solid geometry: یک شاخه هندسه اقلیدسی است. موضوع آن عبارت است از صورت، مکان نسبی، اندازه، و سایر ویژگیهای متری اشکال هندسی که بر یک صفحه قرار ندارند.

**هندسه ترسیمی** Descriptive Geometry: نگاشت های فضای سه بعدی را بروی یک صفحه سطح ترسیم و بررسی کرده و به کار میبرد.

با استفاده از کتاب: قاموس و علیم ریاضیات، انگلیسی به دری اثر محمد امان نادری و عبدالکریم عزیزی و سایت [www.roshd.ir](http://www.roshd.ir)

**نقطه** Point .



**خط منحنی**:



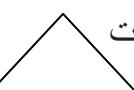
**دایره** Circle: شکل هندسی است که فاصله همه نقطه های روی محیط آن، از مرکز به یک اندازه است.



**مربع** Square: چهار ضلعی بی است با چهار ضلع و چهار زاویه مساوی.



**مستطیل** Rectangle: یک چهار ضلعی است که ضلع های آن دو به دو با هم مساوی و همه زاویه های آن قائمه (۹۰ درجه) اند.



**مثلث** Triangle: یک شکل سه ضلعی است که مجموع زوایای داخلی آن ۱۸۰ درجه میباشد.



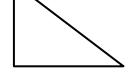
**بیضوی** Ellipse



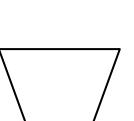
**زاویه** Angle: مقدار چرخش یا گردش یک چیز است که معمولاً با درجه اندازه گیری میشود.



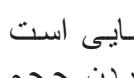
**وتر** Chord: پاره خطی است که دو سر یک کمان را به هم وصل میکند.



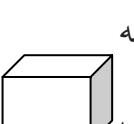
**وتر مثلث قائم الزاویه** (۹۰ درجه): بزرگترین ضلع مثلث قائم الزاویه است.



**ذوذنقه** Trapezoid: چهار ضلعی بی است که در آن دو ضلع با هم موازی و دو ضلع ناموازی اند.



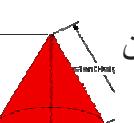
**حجم** Volume: حجم یک جسم، مقدار فضایی است که جسم آنرا اشغال میکند. برای بدست آوردن حجم هر شکل از فرمول خاص آن استفاده کنند.



**مکعب** Cube: حجمی است که از شش وجه مربع شکل درست شده است.



**کره** Sphere: یکی از حجم های هندسی با سطح منحنی به هم پیوسته (متقارن) است، و فاصله هر نقطه روی سطح آن تا مرکز با هم مساوی است.



**مخروط** Cone: حجمی است که راس آن یک نقطه و قاعده آن یک دایره میباشد.



**هرم** Pyramid: یکی از حجم های هندسی

نوجوانان عزیزاً امیدواریم تا با فرستادن مطالب، نقاشی‌ها و طرح‌های جالب تان برای پیش‌بینیت لین مبلغ ما را یاری رسانید. لطفاً جواب‌های لین برکه را به لین نشانی بفرستید و جایزه بگیرید: shahmoama@yahoo.com برای دریافت شماری از پرسش‌های لین صفحه به همین شماره و شماره‌های کذشته "نهال" مراجعه شود.

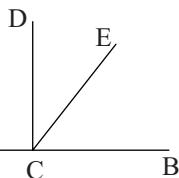
## سرگرمی‌ها و پرسش‌ها

- کدام جفت از واژه‌های زیر از لحاظ مفهوم به شکلی با هم ارتباط دارد؟

قصد	دشت
آینین	اندیشه
کوشش	عزم
بیابان	کیش
فکر	سعی

- برای هر یک از واژه‌های داده شده دسته کلمه‌هایی را دریابید که به گونه‌یی با آن واژه پیوند داشته باشد.  
زمان، رشته، دولت، فاتحه، ورزش

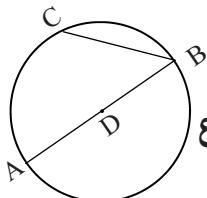
- میدانیم که از وصل کوتاه‌ترین فاصله میان دو نقطه خط مستقیم بدست می‌آید. مثل خط AC و دیگر نمونه‌های این شکل. از تقاطع دو خط مستقیم، زاویه بدست می‌آید. شما در این شکل چند زاویه را می‌بینید، هر یک را نام بگیرید.



- اگر دو خط هم‌دیگر را عمود (90 درجه) قطع کنند، زاویه بدمت آمده را قایمه گویند، مثل زاویه‌های ( ) و ( ).

- زاویه کوچک‌تر از قایمه را زاویه حاده گویند؛ مثل زاویه‌های ( ) و ( ).

- زاویه بزرگ‌تر از قایمه را زاویه منفرجه گویند؛ مثل ( ).



- میدانیم خط مستقیمی که مرکز دایره را به میان قسمتی از محیط دایره وصل می‌کند، شعاع دایره است. پس در این دایره دو شعاع (AD) و ( ) را دیده می‌توانیم که با هم مساوی‌اند.

- خط مستقیمی که دو نقطه محیط دایره را با هم وصل می‌کند، وتر دایره گفته می‌شود. وتر این دایره ( ).

- خط مستقیمی که از مرکز دایره گذشته دو نقطه محیط دایره را با هم وصل می‌کند، قطر دایره نامیده می‌شود. قطر این دایره ( ) است.

- یک استوانه ترسیم کنید.

- شما از پرکار چه استفاده می‌کنید؟

- مکعب مستطیل چیست؟

- اگر یک مخروط را طوری قطع کنیم که سطح قطع شده بر قاعدة مخروط مایل باشد، از سطح قطع شده چه شکلی بدست می‌آید؟

- از روی هم گذاشتن قاعدة دو مثلث مساوی، طوری که رأس‌های آنها با هم منطبق نشوند، کدام شکل به دست می‌آید.

- خط منحنی با خط منكسر چه فرق دارد؟

- در جدول زیر از پی هم گذاشتن حرف‌ها به شکل افقی (از راست به چپ و یا چپ به راست) و عمودی (از بالا به پایین و یا از پایین به بالا) نام ۱۵ کشور افریقایی را دریابید.

گ	ا	م	س
و	ب	ت	ل
ن	ج	ی	ر
پ	ی	ص	م
ب	ر	م	ا
ی	ا	و	ن
ل	س	د	ج/ن
ل	م	ک	ن
ل	ا	گ	و
ل	ک	م	ل

- متن زیر را بخواند و در زیر " فعل " جملات این متن با رنگ سرخ، در زیر " اسم " ها با رنگ آبی و در زیر صفت‌ها با رنگ سبز خط بکشید.

ابرت (Eberth):

کارل ابرت طبیب و میکروبیولوژیست آلمانی است که روی میکروب تیفوئید یا تب محرقه زیاد مطالعه کرد و این میکروب را کشف کرد؛ از اینرو میکروب مرض محرقه بنام خودش نام گذاری شد.

تحصیلات این دانشمند در ورتسبورگ بوده و سپس استاد دانشگاه زوریخ و هال بوده است. مطالعات ابرت روی امراض نرمی استخوان نیز فوق العاده ارزشمند می‌باشد. این طبیب بزرگ در سالهای ۱۸۳۵ تا ۱۹۲۶ میلادی زندگی داشته است.

(از کتاب اندیشمندان و دانشمندان علوم طب، اثر پوهندوی دوکتور محمد انور ترابی)

برگرفته از کتاب:

## قدمهای بزرگ به سوی کامیابی "۴"

نوشته: آنتونی رابینز

ترجمه: مهدی مجردزاده کرمانی

**بخش دوم، چگونه به خواسته های واقعی خود برسیم**

- شاید تا کنون برایتان اتفاق افتاده باشد که پس از انجام کاری، با خود گفته اید "چطور چنین اشتباه احمقانه ای را مرتکب شدم؟!" و یا برعکس، کاری را انجام داده و سپس فکر کرده اید "عجب است! چگونه به انجام چنین کاری موفق شدم؟"

چه عاملی سبب می شود که عملکردمان بد و یا برعکس عالی باشد؟ این موضوع ارتباط چندانی با توانایی مان ندارد بلکه این حالت روحی و یا جسمی ما در هر لحظه است که باعث می شود افکار، اعمال، احساسات و یا عملکرد هایی از ما سر بزند. اگر راز دستیابی به حالات روحی و عاطفی نیرومند را دریابید، واقعاً می توانید دست به کار های شگفت آوری بزنید. اگر در حالت صحیح روحی باشید، بدون اینکه ظاهرآ کوششی به عمل آورید، افکار و نظرات تازه ای در ذهن تان جریان می یابد.

اگر همه روزه در شرایط بالای روحی و فکری بودید، چه کار هایی را می توانستید انجام دهید. (جزء ۴۳)

- سن شخص چندان به گذشت زمان بستگی ندارد، بلکه بیشتر به طرز فکر و وضع جسمی او مربوط است. خیلی ها هستند که سالهای زیادی را پشت سر گذاشته اند و افکار شان خشک است.

به عنوان مثال، در روز های بارانی وقتی اشخاص مسن به گودال پر از آبی می رسند، نه فقط آن را دور می زند بلکه در تمام آن مدت شکوه و شکایت می کنند. برعکس، کودکان (و آنانی که هنوز دل شان جوان است) به میان آب می پرند، آب را به اطراف می پاشند و خوش می گذرانند.

"گودال" های زندگی را وسیله شامانی قرار دهید. لبخندر را فراموش نکنید. به خوشروی و سرزندگی اهمیت بدهید. شما انسان زنده ای هستید!

برای احساس خوب داشتن، به هیچ علت و دلیلی نیاز نیست! (جزء ۴۹)

## دانستنیها

برگرفته از کتاب "رهنمون" به کوشش غلام حسین ذوالفقاری

- خوشبختی در این است که شخص بداند چه میخواهد و آنچه را آرزو دارد، مشتاقانه بخواهد. فیلین ماریس

- خوشبختی این است که انسان دنیا را همانطور که آرزو می کند، ببیند.

- دامنه آمال و آرزوی انسان انتهایی ندارد. سعادتمند کسی است که به افکار بی اساس و ایده آلهای بی معنی دل نبندد.

- خدا امید و خواب را برای جبران غمهای زندگی بما ارزانی داشته است.

- بسا اتفاق می افتد که در جستجوی یک سعادت خیالی بر می آییم و خود را گرفتار هزاران ابوالعلا مصیبت واقعی مینماییم.

- بشر وقتی در خانه اش نشسته است، خواهان حادثه ای در زندگی و هنگامیکه دچار حادثه ای میشود، طالب زندگی آرام در خانه است.

## Explosi van Baghlaan

### Waarom doen ze dit ?

Kinderen zijn geworden graf lid  
**Baghlaan** heeft een zwarte sjaal  
aangedaan  
60 bloemen hebben altijd kleding aan  
Toen ik langs **Baghlaan** ging naar  
Konduz

Zag ik de kinderen nog lachen  
Maar dit jaar heb ik ze  
Zien spelen met de vlaggen  
De fabriek van suiker  
Is veranderd in een bloed duiker  
Dag lieve kinderen van het land  
Ik heb pijn van juli naam in mij tand  
Jammer  
Jammer  
Jammer  
Ik heb geen bloemen  
Maar wel bijen die zoemen  
Waarom doen ze dit ?  
Jullie zijn verbrand in zonnepit  
Dat schieten met kanonnen  
Wie heeft er nou zo iets verzonden

Dat hoeft helemaal niet  
En nu opzouten alsjeblieft  
Jullie krijgen toch op je kop  
Dus hou nu maar even op  
Niemand vindt het fijn  
Om zomaar dood te zijn  
**Baghlaan** **Baghlaan** **Baghlaan**  
**Niet doodgaan** **doodgaan** **doodgaan**  
**Baghlaan** **Baghlaan** **Baghlaan**  
Een lelijke dag met de talibaan  
**Afghanistan** **Afghanistan**  
**afghanistan**  
Tot wanneer  
is het een **Vulkaan** **vulkaan** **vulkaan**

Holland, 9-11 -2007



مُسکا فر هود  
Muska Farhoed  
تصاویر از بی بی سی



zonnepit



چرا ای قسم می کنن؟  
اشتک ها عضو قبر شدن  
**بغلان** شال سیاه پوشیده  
۶۰ تا گل لباس دایمی پوشیده  
وقتی من از راه قندوز بغلان رفتم  
دیدم که اطفال خنده میکردند  
مگم امسال دیدم که  
همراه بیرقک ها ساعت تیری میکردند  
فابریکه قند

به حوض خون تبدیل شده  
خدا حافظ طفلک های وطن

از نام شما به دندانم درد می اید

افسوس

افسوس

افسوس

من گل ندارم

مگم صدای مگس ها راه دارم  
چرا ای قسم می کنن؟

شما مثل گل آفتاب پرست سوختید  
این بم هاره که می انداری

کی این چیز هاره خلق کرده؟  
این حاجت نداره

لطفاً بروید حالا

ما شما را میگیریم

پس شما چپ شوین

هیچکس خوش نمی آیه

که هما نطور بمیره

**بغلان** **بغلان** **بغلان**

هیچ

نمیره نمیره نمیره

**بغلان** **بغلان** **بغلان**

یک روز نسق با طالبان

افغانستان افغانستان افغانستان

تا بکی

در آتشفشن آتشفشن آتشفشن

هالند ۹-۱۱-۲۰۰۷



## سقوط استیلای خارجی و تاسیس دولت های مستقل افغانستان

# ۵- ورود عنصر ترک و نفوذ دولت ساسانی

پیوسته به گذشته گرینش فشرده بی از بخش های "افغانستان در مسیر تاریخ"، نوشته غلام محمد غبار، به کوشش ع. فقیری

خوارزم و یا ترکمانان در آسیای صغیر (ترکیه کنونی). اما در برخی کشور های دیگر ترکها با ملت های اصلی آنها درآمیختند که تمدن، زبان و فرهنگ این کشورها را اقبال کردند و در نهایت با آنها هم ملیت شدند. مثلاً در افغانستان، ایران و هندوستان، از آنجایی که در ادبیات و تاریخ افغانستان و ایران نام تورک و تاجیک به طور لازم و ملزم همیگر در یک ردیف و به مفهوم یک ملت ذکر میگردید نه به مفهوم مقابل. البته در هندوستان این مفهوم معنای دیگری را افاده میکرد و در آنجا ملت به دو دسته، مسلمان و غیر مسلمان توصیف میگردید. دیگر تفاوت نمیگرد که مسلمان اهل افغانستان بود یا اهل هندوستان؛ افغان بود، تورک و یا دیگری. زمانی امپراطوری بزرگ ترک "تومن" که از منگولیا تا ارال فرمان میداد، از دنیا گذشت و قلمرو بزرگ او به دو بخش شرقی و غربی تقسیم گردید، دولت شرقی با پادشاهی "ایستامی خان بیغو" برادر امپراطور تومن در کاشغرستان، حوزه سیحون و ارال تشکیل گردید.

دولت ترکان غربی به زودی با دولت ساسانی ایران متحد شده، حکومات کوچک محلی یافتنی افغانستان را در شمال و غرب شکستند. در سال ۵۶۶ میلادی سواحل راست جیحون را ترک ها، سرزمین چپ جیحون با ختریان را با ایالت شمال غربی افغانستان پادشاه ساسانی "خسرو انوشیروان" اشغال کرد. ولی بعد ها در سر راه ابریشم که ترک ها حق ترانزیت آزاد کالاهای تجاری خود را از کشور ایران میخواستند و ساسانی ها رد میکردند، اتحاد هردو برهم خورد. "تاردو خان" بیغوی در اواخر قرن ششم مسیحی دولت ساسانی را با قوت زیاد به جانب غرب عقب زده جای ساسانی را اشغال کرد. با ورود این دسته از ترکان غربی در نواحی شمال افغانستان، در شمال هندوکش حکومت ملوک الطوایفی تشکیل دادند که شامل ۳۰ امارت کوچک و جدا، تحت تاثیر وتابع زمامدار شهر قندوز بودند. این حکومت در شمال افغانستان و حکومت کاپیسا در جنوب هندوکش (که از کابلستان تا سند، توسط ده امارت نشین محلی فرمانروا، و مرکز آن شهر بگرام بود و دامنه آن در جنوب تا دامنه ارغنداب کشیده میشد)، تنها حکومات بزرگ کشور بودند که در اول در مقابل دولت ساسانی و بعد ها در برابر عرب از استقلال افغانستان دفاع میکردند. حکومت شمالی که بیشتر در تاریخ افغانستان، عنوان "تکین شاهی" را دارد، مثل حکومت کابلستان پیرو دین بودایی بود. زایر مشهور چینی "هیوان تنسگ" در نصف اول قرن هفتم ۶۳۰ میلادی که افغانستان را از شمال به شرق سیر میکرد، در مسیر راه خود از بلخ، قندوز، بامیان و کاپیسا تا لغمان و گندھارا، یکهزار و دو صد و سی معبد بودایی، بیشتر از هشت هزار راهب بودایی، ده معبد شیوانی در کاپیسا و صد معبد بر همنی در گندھارا دیده است؛ در حالیکه بیرون از مسیر راه زایر چینی نیز عبادت گاهها و راهبین زیادی وجود داشت. روی هم رفته در آفغانستان آنروزگار مذاهب بودایی، بر همنی، شیوایی و آفتاب پرستی در شمال، شرق و برخی نواحی جنوب، و دین زرتشتی قدیم، در ایالت غربی افغانستان موجود بود.

آسیای مرکزی و شرقی، از طرف شرق به منچوریا و جبال خینکان و دیوار بزرگ چین و از طرف غرب به بحیره خزر پیوند است. در شمال این مناطق بزرگ، دشت های سایبریا و در جنوب سطوح مرتفع تبت و کوه های همالیا واقع اند. سرزمین های بین خزر و حوزه بایکل قسمت غربی، و نواحی بین سطح بلند پامیر و حوزه بایکل تا دیوار چین و کوه های خین کان قسمت شرقی این منطقه بزرگ را تشکیل میدهد. سرزمین مغلستان نیز در شمال همین قسمت شرقی قرار دارد. صحرا ها و ریگزار های آسیای مرکزی با داشتن گرما و سرمای بلند، و کوه های پر آب و علف برای زندگی مساعد است. این مناطق شامل حوزه بایکل (مسکن اصلی مغولها)، حوزه بالخاش (مسکن اصلی ترکها)، حوزه تاریم (اصلاً مسکن اصلی آری ها بود و در قرن هشتم مسکن ترک ها شد) و حوزه ارال که شامل، ماوراءالنهر، سرزمین های واقع بین جیحون و سیحون و سرزمین خوارزم میباشد، در اصل مسکن آریها بود ولی به تدریج تورکها و ترکمانها در این حوزه نفوذ نمودند و دولت شان را تشکیل دادند. وقتیکه مغلها با آریه های آسیایی قسماً مخلوط شدند، نام "ترک" به آنها گذاشته شد. ترکمانها هم بیشتر از مردم مخلوط شده ترک به میان آمدند. سلجوکی های بعدی نیز بخشی از همین ترکمان ها میباشند در حالیکه ازبکها از جمله تورکان شرقی اند و زبان شان همان "تورکی چغتاوی" بوده و با زبان ترکمنی نزدیک است و هردو زبان یکدیگر را می فهمند. ترکان ترکیه امروز از جمله "تورکان غربی" اند. مردمان آسیای مرکزی و شرقی بیشتر زندگی ابتدایی و چادر نشینی داشتند که این گونه زندگی مردم را به مهاجرت در سرزمین های ثروتمند همچوar تحریک میکرد. در همین جاست که کشور های چین، ماوراءالنهر ایران و افغانستان مورد حمله قرار میگرفتند. همالیا مانع عبور شان به کشور هند بود، از اینرو ماوراءالنهر راه افغانستان را تا خاک هندوستان بر رخ مهاجمین باز میگذاشت.

دولت بایریه از همین راه در هند تشکیل شد ، چنانکه دولت سلجوکی از راه ایران به آسیای صغیر رسید. این هر دو دولت، زبان و ادب دری را در هندوستان و آسیای صغیر رواج دادند و عام ساختند. برخی از مردم چادر نشین ترک در ترکستان‌شرقی دارای تمدن، فرهنگ و ادب، خط و صنعت فلز کاری و نساجی بودند و مثل ترکان یغورکه در قرن هشتم در رأس تمدن ترک و مغل قرار گرفته و به زندگی شهر و زراعت و آبیاری توجه داشتند، بودند تورکهای مدنی و تورکهای بدوى، هردو در مذاهاب از شرک و بت پرستی گرفته تا زرتشتی، مانوی، دائی و عیسوی بودند و از قرن دهم به بعد برخی شان به دین اسلام آشنا شده و مدافع جدی دین اسلام قرار گرفتند. آن دسته از مردم قبایلی تورک که در ماوراءالنهر، افغانستان و ایران سرازیر شده بودند، نیز به تدریج زیر تاثیر این کشورها قرار گرفته و در مقابل مهاجمین تورک و مغل دفاع تمدن این کشورها شدند. آنها از جمله ناشرین تمدن اسلامی در هند و آسیای صغیر به شمار میرفتند. و از همین جا ترکها توانستند با نفوذ و تسلط شان یک دولت ترکی تشکیل کنند. که این دولت شامل مناطق ماوراءالنهر،



# عناصر سازندهٔ شعر

## زبان

زبان یکی از عناصر مهم در شعر است و اساساً شعر خود هنر زبانیست و در جامه زبان، هستی می‌یابد. عاطفه و تخیل در شعر نیازمند زبانی هستند که ظرف ارائه آنها باشد. از آنجایی که زبان امر ثابت و منجمدی نیست و هر لحظه در پویایی و دگرگونی های تدریجی است، درست مثل درختی که برگ هایی از آن زرد می‌شوند و از سر شاخه هایش برگ های سبز و نو به تازه‌گی می‌رویند، بنابرین با تحولات زندگی و آمدن نیازمندی های جدید و از میان رفتن پاره یی از مفاهیم، شماری از واژه های را از راه ساختن و یا از راه قرض گرفتن از زبان های بیگانه در خود به وجود می‌آورد. همچنانی که شماری از واژه گان خود را از گردونه کابرد بیرون می‌کند. بنابرین در بررسی زبان یک شاعر و یا یک دورهٔ شعری می‌توان این نکات را مورد بررسی قرارداد:

۱- واژه گان (دایرهٔ لغات Vocabulary): بررسی اینکه حوزه کاربرد واژه های یک شاعر چه مقدار وسعت دارد و تا چه حد محصور و اندک است، بیگمان یک شاعر بزرگ به مناسبت نیازمندی هایی که در ارائه عواطف و تخیل خویش دارد و بر اثر داشتن پشتونه فرهنگی پهناور از واژگان گسترده یی برخوردار است، در صورتی که یک شاعراندک مایه مجموعه واژه گانش بسیار اندک است.

واژگان یک شاعر گذشته از مسئله گسترده گی و محدودیت، می‌تواند از لحاظ خانواده واژه ها مورد بررسی قرار گیرد، اینکه بیشتر فارسی دری است یا مثلاً لغات عربی یا حتاً اروپایی و ...، دارد و این که چه مقدار این واژه ها جنبه ادبی دارند و چه مقدار از زبان توده مردم و ادب عامیانه گرفته شده است. واژگان یک شاعر را از این چشم انداز نیز می‌توان بررسی کرد که تا چه حد واژگان به طبقه و شخصیت طبقاتی و موقعیت اجتماعی شاعر و به حوزه مخاطبانش وابسته است.

۲- ترکیبات: هر شاعر بزرگ در طول روزگار شاعری مقداری ترکیب تازه در زبان شعری خود می‌آفریند که

خاقانی ترکیباتی به وجود آورده اند که در شعر گوینده گان پس از ایشان مورد استفاده قرار گرفته است؛ مانند ترکیب "خلاف آمد عادت" در این بیت نظامی:

هرچه خلاف آمد عادت بود

قافله سالار سعادت بود

که حافظ آن را مورد استفاده قرار داده و گفته است:

از خلاف آمد عادت بطلب کام که من

کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم

زبان فارسی دری به لحاظ قدرت امکانات ترکیبی یکی از نیرومند ترین زبان هاست.

۳. نحو: یعنی میزان توانایی شاعر در طرز قرار دادن اجزای جمله به تناسبی که نیاز دارد. یکی از مهم ترین نکته ها در شعر و به طور کلی در هنر هایی که با کلمه سرو کار دارند، "بلاغت جمله" است. یعنی آگاهی از شیوه های کاربرد اجزای جمله. تفاوت بیهقی در نثر فارسی دری مثلاً با عبدالحی گردیزی در همین است که بیهقی از اسرار بلاغت جمله آگاه تر است و به تناسب حالات، جای فعل و فاعل و دیگر وابسته های جمله را پس و پیش می‌کند، ولی گردیزی مورخ معاصر او از این مایه بلاغت برخودار نیست. تفاوت سعدی با سیف الدین فرغانی که معاصر هم اند و هر دو غزل گفته اند در اینست که سعدی از رموز بلاغت جمله آگاه تر است ولی سیف الدین فرغانی این تسلط را ندارد.

دستبردن در ساختار جمله و زمینه های نحوی زبان کار دشواری است، مگر این که سراینده توانایی بیش از حد داشته باشد. مولانا از بسیاری اسم ها صفت ساخته ولی دیگران شجاعت آن را نداشته اند؛ از قبیل "من و من تر"، "سوسن و سوسن تر"، "آهن و آهن تر" در غزل

"در دو چشم من نشین ای آن که از من من تری"

حتا تصرفی که در جدا کردن دو جز تابعی "کژ و مژ" در شعر او دیده می شود:

در لب ها به وجود می آورد.

۴- موسیقی معنوی: هر نوع تناسبی در شکل گستردگی آن می تواند در قلمرو آهنگ قرار گیرد و منظور از موسیقی معنوی تقارن و هم آهنگی معنوی بعضی از کلمات است با یکدیگر که اگر چه از نظر صوتی تناسب و هم آهنگی ندارند، مثل واژه های متضاد مانند روز و شب، یا طلوع و غروب یا سپید و سیاه. اگر تناسب ها طوری باشند که خواننده متوجه تصنیع شاعر نشود، بسیار با اهمیت اند. این تناسب ها اجزای شعر را از درون به هم پیوند می بخشد و در استحکام فرم، تأثیر بسیار دارند.

## شكل

هر شعر دو شکل یا قالب و صورت دارد. یکی شکل ظاهری که عبارت است از طرز ترکیب مصراج ها ابیات با یکدیگر به اعتبار قافیه و ردیف و گاه وزن. این همان چیزی است که در اصطلاح قدیم قصیده، غزل و قطعه و رباعی و دیگر قالب های شعری را از یکدیگر جدا می کرد. اما شکل شعر یا صورت شعر یک مفهوم ژرف تر نیز می تواند داشته باشد و آن مسئله "شکل درونی" یا "فورم ذهنی" آن است که به طور فشرده عبارت است از مسئله پیوسته گی عناصر مختلف یک شعر در ترکیب عمومی آن. بسیاری از شعر های قدیم از گونه یی یک پارچه گی و وحدت ارگانیک برخودار اند، مثل چکامه های ناصر خسرو بلخی و غزل های مولوی. اما بسیاری شعر ها به خصوص پس از حمله مغول این وحدت ارگانیک را ندارند؛ مانند بسیاری از شعر های سبک هندی.

هر شعر بدون شک یک تجربه است و باید تمام عناصر آن به گونه هماهنگ در خدمت تصویر آن تجربه در آیند. اگر پاره یی از هر شعر مربوط به عالمی باشد، ممکن است در درون شعر تناقض به وجود آید و یک بخش، بخش دیگر را راندیشید و در نتیجه شعر بی تأثیر بماند؛ یا ممکن است بعضی اجزا با هم دیگر ایجاد مزاحمت کنند. اینچنین شعری از کمال هنری برخودار نخواهد بود. در یک شعر کامل و زندگی باید دید که عنصر عاطفه چقدر بر دیگر عناصر سلط دارد و پس از آن تخیل که در خدمت عاطفه است، چقدر بر زبان و موسیقی مسلط است و در نتیجه بررسی کرد که آیا اجزای شعر از یک گره خورده گی برخودار هستند و یا نه؟

بخش بیشتر این بحث فشرده بی است از یک بخش "ادوار شعر فارسی" نوشته دکتر شفیعی کدکنی

چون کشتی بی لنگر کژ می شد و مژ می شد از حسرت او مرده صد عاقل و فرزانه به توجه به این نکته ها است که زبان شعر را زبان خلاق و فرا رونده از هنجار های معمولی زبان می گویند.

## آهنگ

هرگونه تناسبی خواه آوایی (صوتی)، خواه معنوی می تواند در حوزه تعریفی آهنگ قرار گیرد. بنابرین منظور از آهنگ در اینجا تنها وزن شعر نیست بلکه مجموعه تناسب هایی است که در یک شعر می تواند مورد بررسی قرار گیرد و عبارت است از:

۱- موسیقی بیرونی شعر: همان چیزی که وزن شعر خوانده می شود و لذت بردن از آن مطرح است. بنابرین وزن شعر به لحاظ بحر های عروضی در عرصه شعر کلاسیک از نگاه حرکت و سکون هجا ها و به لحاظ تنوع و عدم تنوع آنها نو یا گونه یی از موسیقی در شعر آزاد و سپید که شعر شاعر را آهنگ ویژه یی می بخشد و یا از لحاظ هماهنگی با زمینه های درونی و عاطفی شعر.

۲- موسیقی کناری: منظور تناسبی است که از رهگذر هماهنگی دو کلمه یا دو حرف در آخر مصراج ها دیده می شود؛ مانند "خواب" و "آب" یا "دیدار" و "بیدار" که در حقیقت صامت ها و صوت های مشترک سبب می شوند گوش لذتی ببرد. این موسیقی کناری همان موسیقی قافیه و ردیف و چیز هایی است که بتواند در پایان مصراج ها موسیقی یی از این دست به وجود آورد.

۳- موسیقی درونی: منظور از موسیقی درونی مجموعه تناسب هایی است که میان صامت ها و صوت های واژه های یک شعر ممکن است وجود داشته باشد؛ مثلاً در یک شعر اگر صوت های "آ" یا "او" یا "ای" تکرار شوند، این خود گونه یی موسیقی ایجاد می کند:

یاد باد آن که نهانت نظری با ما بود  
رقم مهر تو بر چهره ما پیدا بود

در مصراج نخست صوت "آ" در "یاد"، "باد"، "آن" که، "نهان"، "با" و "ما" این هماهنگی صوتی را نشان می دهد. گاه نیز صامت ها این همخوانی را دارند:  
چشم از آینه داران خط و خالش گشت

لبم از بوسه ربايان برو دوشش باد  
که صامت "ب"، در "لب"، بوسه، "ربا"، "بر" و "باد" نوعی موسیقی ایجاد کرده که در القای؟؟؟ مورد نظر شاعر تأثیر فراوان دارد. با تکرار حرف "ب" که مرتب "لبهای" روی هم قرار می گیرند، حالت بوسیدن را



## نقص توجه / پر تحرکی

تهیه شده توسط: "انجمن روانپردازی کودک و نوجوان ایران"

- آموزش والدین
- آموزش آموزگاران
- استفاده از کلاس‌های مخصوص درمان دارویی و درمان‌های روان‌شناختی

آموزش والدین و معلمين بخش مهمی از درمان را تشکیل می‌دهد و شامل دو بخش است.

- آموزش برای شناخت بیماری
- آموزش برای پکارگری روشهای درمانی

والدین باید این بیماری را به عنوان یک نقص خفیف در مرافق اولیه رشد مغز دانسته و به کودک خود به دید کودک تنبل، نافرمان، شرور و فضول که اگر بخواهد می‌تواند رفتاری طبیعی داشته باشد، نگاه نکنند؛ بلکه او را کودکی بدانند که تلاش می‌کند با نا توانی خود که خارج از کنترلش است، کنار بیاید. والدین باید راههای دیگری برای تشویق، تقویت اعتماد به نفس و ایجاد احساس موقفيت در کودکشان بیابند. فعالیت های ورزشی، هنری، فنی، اجتماعی می‌تواند فرصت هایی برای نمایان کردن توانایی های این کودکان ایجاد نماید. این فعالیت ها بالطبع تشویق بیشتری به دنبال داشته و می‌تواند اثراً منفی حاصل از تجربه های بد قبلی (شکست ها، طرد شدگی، تنبیه ها و ....) را بکاهد و جایگزین آن گردد. البته والدین نباید تصور کنند که کودکانشان به دلیل این ناراحتی مسئول اعمال نامطلوب و خلاف خود نیستند، بلکه کودک می‌باید اینگونه رفتارها را جبران کند.

برای اینکه کودکان ADHD قوانین را بیاموزند و از آن پیروی نمایند لازم است قوانین را برای انها واضحتر، در فواصل کمتر و دفعات بیشتر بیان کنیم و سیستم تشویق و تنبیه قوی تری را با آن همراه نماییم.

برخورد مناسب با کودکان دچار ADHD به زمان، پشتکار،

- کوشش، مداومت و همکاری و هماهنگی زیادی
- نیاز دارد و به همین دلیل مربیان و والدین باید همواره روحیه ای با نشاط، شاداب، طنزپردازو و شوخ طبع را در خود حفظ نمایند.

دیگر نمایان می‌شود. به نظر می‌رسد مغز آنها اطلاعات محیطی را بیش از حد لازم می‌گیرد؛ یعنی در انتخاب توجه به اطلاعات ضروری و بی توجهی و حذف اطلاعات غیر ضروری ضعف دارد. رعایت قوانین منزل و مدرسه برای آنان مشکل است و برای پیروی از قوانین توجه بیشتری لازم دارند. در انجام تکلیف مدرسه، تمرکز روی درس، رعایت قوانین مدرسه و داشتن روابط اجتماعی مناسب با همکلاسی ها مشکل دارند. برای رسیدن به اهداف دراز مدت برنامه ریزی نمی‌کنند.

### عوارض

رفتار کودکان ADHD روی عملکرد آنها در خانواده، اجتماع مردم و مدرسه تاثیر سوئیگذار و باعث واکنش های منفی اطرافیان، خانواده کادر مدرسه و همسالان می‌شود. این رفتارها مشکلات جدی در مدرسه و اجتماع ایجاد می‌کند و باعث کاهش اعتماد به نفس و احساس بی کفايتی در این کودکان می‌گردد. ممکن است آنها از مدرسه و اجتماع متفرق گرند. کودکان طبیعی به خاطر رفتارهای مناسب و موقفيت های تحصیلی و اجتماعی زمینه زیادی برای تشویق شدن دارند و همین تشویق ها موجب پرورش اعتماد به نفس و عزت نفس در آنها می‌شود ولی کودکان دچار ADHD کمتر به این موقفيت ها دسترسی پیدا می‌کنند. کودکان ADHD ممکن است به صورت ثانویه دچار اختلالات ارتباطی، مشکلات تحصیلی، اضطراب افسردگی و بزهکاری شوند.

### سیر

سیر ADHD متنوع است. بهبودی در صورت وقوع معمولاً بین ۱۲ تا ۲۰ سالگی رخ می‌دهد و بهبودی قبل از ۱۲ سالگی نادر است. گاهی علائم در بلوغ بهبود یافته و گاهی نیز تا بزرگسالی ادامه می‌یابد.

با افزایش سن پر تحرکی کمتر شده ولی اختلال تمرکز و رفتارهای ناگهانی می‌تواند باقی بماند. در ۱۵ تا ۲۰ در صد موارد علائم همراه با افزایش سن ادامه می‌یابد. بدون درمان تنها یک سوم تا نصف کودکان دچار ADHD می‌توانند با علائم خود در زندگی سازگار و منطبق باشند و بقیه مستعد بروز مشکلات ثانویه خواهند بود.

### درمان

درمان‌هایی که برای کودکان ADHD به کار می‌روند، مبنی‌اند به چهارگروه تقسیم گردد:

## ADHD چیست؟

ADHD اختلالی است که در آن پر تحرکی، بی توجهی و رفتارهای ناگهانی در کودک بیشتر و شدید تر از کودکان دیگر دیده می‌شود. ۳ تا ۵ درصد کودکان به این اختلال مبتلا هستند و در پسرها شایع تر است. ممکن است در بعضی بیشتر دیده شود. علائم این بیماری قبل از ۷ سالگی شروع می‌شود ولی اغلب در دوران مدرسه مشکلات جدی ایجاد می‌گردد.

علت: این بیماری سالهای است که شناخته شده و عوامل متعددی در ایجاد آن نقش دارند. به نظر می‌رسد علت آن بیشتر به نقص در تکامل سیستم اعصاب باشد. کودکان مبتلا

احتمالاً در قسمت هایی از مغز که مسئول توجه، تمرکز و تنظیم فعالیت های حرکتی می‌باشد دچار نقص جزئی هستند. توارث و رثتیک در این اختلال نقش دارد. همچنین در بعضی موارد در جریان حاملگی یا زایمان یا پس از آن صدمات جزئی به ساختمان مغز وارد می‌شود که می‌تواند باعث این مشکل گردد.

علائم: مشکل اصلی کودکان ADHD عدم توانایی آنها در حفظ و تنظیم رفتارشان است؛ در نتيجه اغلب نمی‌توانند رفتار مناسبي که لحظه به لحظه با شرایط محیط هماهنگ باشد، نشان دهند. خوابیدن و غذا خوردن آنها منظم نیست به نظر می‌رسد در همه چیز دخالت می‌کنند و مراقبت دائمی نیاز دارند. از نظر هیجانی ثبات ندارند، ناگهانی می‌خنند یا گریه می‌کنند و رفتارشان غیر قابل پیش بینی یا ارزیابی است. این کودکان نمی‌توانند پیامدهای رفتارشان را پیش بینی یا ارزیابی نمایند، در فعالیت های خطر ناک شرکت می‌کنند و احتمال صدمه دیدن آنها زیاد است. قبل از فکر کردن عمل می‌کنند، قبل از پایان سوال جواب می‌دهند، اشیا را پرتاب می‌کنند و ناخواسته به دیگران صدمه می‌زنند؛ پر فعالیت و پر تحرک استند، هر لحظه در حال رفتن هستند، انگار موتوری درون بدن آنهاست که آنها را به حرکت دائمی مجبور می‌کند، نمی‌توانند آرام بنشینند و بی قرار استند. اختلال تمرکز در این کودکان در کارهایی که فعالیت دائم و جدی مغزی را لازم دارد، مشهودتر است. آنها ممکن است در نماشای تلویزیون، بازی با کامپیوتر و فعالیت های لذت بخش باشند ولی در کارهایی که فعالیت مداوم مغزی و تمرکز لازم دارد (انجام تکلیف درسی) نفاوت آنها با کودکان



## پیرامون نهال "شاهمامه"



فصل نامه وزین نهال به کوشش و اهتمام نهاد شهمامه در هالند گواهی بر تعهد سیمیمانه دست اnder کاران آموزش زبان شیرین فارسی دری به کودکان افغان در بیرون از مرز های وطن عزیز ما افغانستان است.

اولتر از همه باید بنیاد فرهنگی شهمامه را به خاطر کوشش های پیگیر آن در امر طبع و نشر فصلنامه نهال و همچنان چاپ و ویرایش آثاری از نویسنده گان نخبه ما به تجلیل نشست. بدون تعارف میخواهم اظهار کنم که این بنیاد در ساحة فرهنگ و آموزش به نو نهالان ما در خارج از افغانستان عزیز زحمات زیادی را کشیده اند و زحمات ایشان را باید به دیده قدر نگریسته و دست اnder کاران آنرا تقدير کرد.

فصلنامه نهال که جنگ فرهنگی و آموزشی برای اطفال ماست شامل این ساحت آموزشی و معلوماتی است. سرگرمی ها و سروده ها برای کودکان

قصه و داستان، تمرین های آموزشی زبان، گزینه های شعر و لطایف

تاریخ مبارزات مردم افغانستان

سیر افکار در جریان تاریخ

نیاز فرآگیری زبان مادری برای اطفال ما، در بیرون مرز های افغانستان.

درست نویسی ویژه بزرگان و نو نهالان.

سوگ در کودکان و نگرش های رایج پیرامون آن، ویژه بزرگسالان

باينترتیب طیفی وسیعی از مسایل مبرم برای تربیه نسل جوان ما در بیرون از مرز های افغانستان را در بر میگیرد. این از جهتی لازم و ضروری است که در حال حاضر به خاطر جنگ و خونریزی در افغانستان عده زیادی از هموطنان ما در دیار مهاجرت به سر برده و از یکطرف با فرهنگ های جدیدی آشنا میشوند و از طرف دیگر زبان های بیگانه تسلط خود را بر آنان حاکم ساخته و زبان بومی شانرا زیر سلطه قرار میدهد. ای بسا کودکان، جوانان و نوجوانان ما در دیار بیگانه که زبان اصلی خود را فراموش کرده و با رسم الخط خود بیگانه شده اند. طوریکه نود درصد از نو جوانان و صد درصد از کودکان ما در مهاجرت دیگر قادر نیستند به زبان خود چیزی بنویسند و یا بخوانند.

ضرورت به نوشتمن و خواندن برای نسل جدید زمانی مطرح میشود که اطفال ما در پهلوی فرآگیری فرهنگ بیگانه مجبور اند فرهنگ خود را از طریق مطالعه آثار ادبی، علمی، تاریخی و سیاسی جامعه خود و مردم خود درک کنند.

البته تا حال کوشش های برای طبع و نشر ماهنامه ها، گاهنامه ها و یا سالنامه هایی به زبان فارسی دری در اقصی نقاط جهان از اروپا گرفته تا امریکا چاپ شده است. اما فصل نامه نهال با نورم و استندرد بهتری عرضه گردیده و مفردات آن مدد درسی ارزشمندی به جوانان، نوجوانان و سالمدان ما است.

مليحه تركاني،

[www.afghanmaug.net](http://www.afghanmaug.net)

... بغلان صدای داشتی!

جنازه های نوجوان در تابوت های بی ملیت جاریستند  
زبان های منقاوت در هجوم های بی هویت اناریستند  
یک + دوه ... = سه توته گوشت

- هو

- بلی -

- هان -

...

...

موقعیت بودن را در کردار نیستی هستی میخشد  
فی نفسه هستن را بی دغدغه مستی میخشد

در چشمها هو

میگردم ضمیمه زلال

در تنور تاویل هو

میگردانی ام خفashینه ملال

در آشمار بلی

شانه های عقلم را میدهم استر  
در تموز تاویل بلی  
آبله هایم را میجنبانی اشترووار با نشتر  
تاویل هو + تاویل بلی + تاویل هان ... = دوتا سیلاوه  
مرا ببخش زندانی، تو میتوانی به اضافه آن  
دو تا شمشیر بُران را از گوشهايت نیز بیاوبزی  
اسطوره قندم چه بی پروا  
شهید و شهد را آمیخت بی آتن  
پس از اخبار تلویزیون میماند فراموشی  
چند تا کوه بی آتن  
چه شد مادر که اولادت  
حال گردید چو بع بع های بز غاله  
خیال اکبرش این بود که از مافیای قند گیرد چو بغلانی بغالوه؟

# کاشکی بغلان صدایی داشتی !

کتاب آمیز

کتاب آمیز

گلابی شد گلاب میز

کاشکی باروت زبانی داشتی

تا زپشت انفجار صد حیله را بر داشتی

بغلان، بغلان،

بغ بغ به غارت میرود بغلان

مادر جان

بغ بغ به غلت میرود بغلان

مادر جان

غش غش به غربال میرود بغلان

مادر جان

بُغ ض بُغ ض به غربت میرود بغلان

مادر جان

چه شد مادر که او لادت

قلم آمیز

بندابند

پگاهی از بَرَت بی واژه های غیب

نخواند آهنگ

نشد خنده

نکرد پرواز

نشد بَرَد

چه شد مادر که نای پاکِ دسترخوان

به جای نان

به جای نغمه های مادرت صدقه

فغان را در فغان هموار میسازد

پیش از شام

چرا کم گشته ای امشب

حسابش کن

زگوش کهنه ام هردم چلیپا میخورد گوش های بی آدم

دَم دَم

زمغز سنده ام

شراری بی شرف از موج ایمان می پَرد

هردم اگر موجی بُود جاری

زآدمهای ذوزنقه

به مثل مشعل کوچک

مگر چندان که چون یک کاروان

اما اُود پنه اش اکلیل

نگفت زمزم

نشد جاری

نرفت مکتب

نشد خنده

خودش خنده شد بر تخته های قند بی قندیل،

کاشکی بغلان زخمی هم صدایی داشتی از خویش

کاشکی بغلان به روی گوشت آدم هاش ندایی کاشتی از خویش

کاشکی بغلان ز روی خون بغلانی

صدکاشکی صد کاشکی صد بادبان افراشتی از خویش

گوش خر بفروش و دیگر گوش خر

سر گاو بفروش و دیگر هوش خر

معتاد انفجارم

پیش از ذوب اندام در میانه روح گروی خویش

منجر میشوم

واعیت در زیر انگشتان من میمیرد، لا حول گو

در زرادخانه قند

آشیتیس ریشدار

بیدار گشته است ، لا حول گو

قند

مانند شبابه نیشکر

... را

بند بند جدا کرده است ، لا حول گو

بغ بغ به غارت میبرند رویای بغلانی  
بعد از عقره افجار  
یا بعد ....

بغ بغ به غلت میبرند بغلان و بغلانی  
واقعیتی که بغلان را در خود خط میزند، ...

به این سطر در خود آگاهی تان یا سوالیه بزنید یا ندایه نصب کنید  
واقعیتی که شالش را لایه لایه بر ضجه ناخونای بغلان میریزد،

واقعیتی که واقعیت بغلان را در مُشت خویش انکار میکند،



زدستم این قلم این ننگ و رجاوند، بردارید  
ز جام شوکران این شهد پر از قند، بردارید  
ز پیش پای  
این فتوکاپی ایستادن یا رفتن  
آبر را خشک نکنید

مادر جان

مادر جان

مادر جان

یاد، یادکردن را از یاد بُرده است  
دست، دست دادن را از دست داده است  
انفجار، فجرانی را فجور کرده است  
کاشکی باروت زبانی داشتی  
تا زپشت انفجار صد حیله گک برداشتی

- قانع -

شعور قندینه بغلان

فلسطین را به بغلان بُرد که از های های درفش قند بر افزاد  
قناعت کن

قناعت کن

کلک صدا بگیر و بر افروزان مزار کوچکی بر قند  
روی صدا ببوس و برانگیزان مزار کوچکی بر قند  
چشم صدا بشوی و بر استیزان مزار کوچکی بر قند



به جای توق توق نرم نرم دروازه

خانه خندان بی اندازه

آمدش گرمای تابوتک تابوتک

جنازه به استقبال جنازه

قناعت میگذرد از انتفاضه قند

تلاوت میگذرد از انتفاضه قند

حالوت میگذرد از انتفاضه قند

شهادت میگذرد از انتفاضه قند

موری ستاسو ماشومان بیرته نه راحی ؟

هو: ...

مادر دستر خوانت بی آدم شد؟

بلی : ...

? .....

...

اے ما کیا تم نے بھی کسی کو کھو یا ہے ؟

کیا ؟ کھا ؟

قند کا دھماکه!

هان !

بقیه در ص. ( ۲۸ )



کاشکی بغلان زخمی هم صدایی داشتی از خویش

کاشکی بغلان به روی گوشت آدم هاش ندایی کاشتی از خویش

صدکاشکی صد کاشکی صد بادبان افراشتی از خویش

گوش خر بفروش و دیگر گوش خر

سر گاو بفروش و دیگر هوش خر

معتاد انفجارم

پیش از ذوب اندام در میانه روح گروی خویش

منجر میشوم

واعیت در زیر انگشتان من میمیرد، لا حول گو

در زرادخانه قند

آشیتیس ریشدار

بیدار گشته است ، لا حول گو

قند

مانند شبابه نیشکر

... را

بند بند جدا کرده است ، لا حول گو

# NEHAL

12e Nu. 3e Jaargang, November 2007

Educatief en informatief tijdschrift voor Afghaanse kinderen in het buitenland



عروس ساز ها در میان انگشتان زهره طاهری میرقصد